

# توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال ششم  
شماره ۶۸ - آبان ۱۳۸۴ - نوامبر ۲۰۰۵

## گزارش سیاسی هیات مرکزی حزب کار ایران (توفان) به سومین کنگره حزب (پایان) جنبش کمونیستی، مواضع و وظیفه آن در ایران

کمونیستها و اپوزیسیون ضد انقلابی

حزب ما در گذشته چهره اپوزیسیون امپریالیستی و ضد انقلابی را همواره نشان داده بود. حزب ما مفتخر است که لحظه‌ای نیز از افشاء سلطنت طلبان مرتجع و همدست امپریالیست و جاسوسان "سیا" و "موساد" باز نایستاده است. این مبارزه همه جانبه با این دشمنان مردم باید همه جانبه ادامه پیدا کند. در این مبارزه باید نقش فرصت طلبان بیعملی را که به بهانه حمایت از "دموکراسی ناب" جلدان رژیم سلطنت را مجلسی میکنند و آرایش میدهند به همه مردم نشان داد تا نام ننگینشان در خاطره ها همواره باقی بماند. حزب ما این وظیفه مهم را انجام داده و باز انجام خواهد داد. در اثر جنگ استعماری در عراق و کشتار بیش از صد و بیست هزار عراقی بدست نیروهای استعمار در این کشور ماهیت نوکران استعمار در ایران بر ملا شد. در کنار این مسئله نقض حقوق برسمیت شناخته شده ایران در مسئله استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای و موضعگیری خائنانانه عناصر امپریالیستی و جاسوسان بی شرم امپریالیست آمریکا در عراق و تهدید... ادامه در صفحه ۲

# برگزاری کنفرانس احزاب برادر یک پیروزی کمونیستی

را در مورد مسئله انرژی اتمی در ایران و تهدیدات امپریالیسم و صهیونیسم بدانند. توضیحات حزب ما در تائید مواضع خود این رفقاً بود که شانتاژ امپریالیستی را محکوم میکردند و از حق عمومی حاکمیت همه دولتها صرف نظر از ماهیت رژیمهای حاکم در آنها حمایت مینمودند. رفقای کنفرانس استفاده مسالمت آمیز از انرژی اتمی را حق همه ممالک و از جمله ایران میدانستند در حالیکه با جنگ افروزی و افزایش تسلیحات اتمی قدرتهای اتمی و بویژه امپریالیستها و اسرائیل مخالفت میکردند. آنها اظهار میداشتند که ممالکی نظیر انگلیس، فرانسه، آمریکا و یا روسیه که یا از منابع عظیم گاز و نفت برخوردارند و یا بر منابع بزرگ گاز و نفت جهان تسلط دارند و یا از فناوری عالی در استفاده از انرژی حاصله از نیروی، باد و آب و خورشید برخوردارند و سرمایه عظیم در راه ذوب کردن هسته عنصر هلیم بکار گرفته‌اند تا انرژی خورشید بر روی زمین را با کنترل علمی تولید کنند، خود هر روز تعداد نیروگاههای هسته‌ای خویش را افزایش داده آنها را به سایر ممالک صادر مینمایند و آنوقت از دیگران به زور می طلبند تا از استفاده صلح آمیز از نیروی اتمی به بهانه وجود منابع گاز و نفت در این کشورها چشم ببوشند و انرژی مورد نیاز خویش را از امپریالیستها بخرند. با این سیاست چماق بزرگ هیچ ملتی اگر نخواهد به حقارت و دنائت تن در دهد و زنجیرهای بردگی را به گردن ببندد نمیتواند موافقت کند. کشوری که در این عرصه تسلیم شود ناچار است در همه عرصه ها به ننگ تسلیم تن در دهد.

رفقای احزاب برادر... ادامه در صفحه ۴

کنفرانس احزاب مارکسیست لنینیست جهان در ماه اکتبر سال ۲۰۰۵ در یکی از ممالکی که در آن دموکراسی "تهدیدینه" شده است در شرایط پنهانکاری و رعایت اصول مخفی کاری، بدور از چشم و شامه مامورین عذاب و شکنجه دشمنان طبقاتی با روحیه بزرگ و جسورانه کمونیستی برگزار شد. رفقای احزاب و سازمانهای برادر از ممالک اکوادور، برزیل، دومینیک، کلمبیا، مکزیک، آلمان، اسپانیا، ترکیه، دانمارک، فرانسه، نروژ، یونان، بورکینافاسو، تونس، ایران در این نشست شرکت داشتند. پاره ای احزاب برادر نتوانسته بودند بعزت بعد مسافت و مخارج گران سفر در این نشست مشترک شرکت نمایند.

دبیران منتخب کنفرانس گزارش سال گذشته و مشکلاتی را که در کار اجرایی پیش می‌آید مطرح کردند. یکی از مشکلات این نشستها فقدان یک زبان مشترک برای تبادل تجربه میان احزاب است. نمایندگان به زبانهای آلمانی، فرانسه، اسپانیایی و انگلیسی مترجم دارند که باید مطالب گفته شده را به سایر زبانها برای هیاتهای نمایندگی ترجمه کنند. بخش مهمی از وقت این کنفرانس صرف کار ترجمه میشود. متأسفانه جنبش مارکسیستی لنینیستی در جهان از قدرت بزرگ مالی برخوردار نیست که بتواند برقع همه این مشکلات بردارد. ولی ما شاهد بودیم که نمایندگان با چه شور و علاقه‌ای در مباحث کنفرانس شرکت کرده و نقصانهای داناتی خویش را بر طرف میکنند. رفقای بسیاری میخواستند نظر حزب کار ایران (توفان)

## گزارش گردهمایی بزرگداشت انقلاب کبیر اکتبر

پرچم سرخی میدرخشید. تصاویر آموزگاران بزرگ پرولتاریا مارکس، انگلس، لنین و استالین در جلوی صحنه جلوه میکردند. تصویر بزرگ و تمام قد لنین در سمت راست صحنه بر دیوار نصب شده بود. نام بنیانگذاران توفان رفقا احمد قاسمی و دکتر غلامحسین فروتن بر دیوار همراه با تصاویر آنها آویخته بود. دکتر تقی ارانی فرزند قهرمان خلق آذربایجان و آموزگار بزرگ کمونیسم در ایران همراه با نام سایر رهبران جنبش کمونیستی ایران خودنمایی میکرد. در کنار آنها نام و تصویر جان باختگان توفانی در راه سوسیالیسم قرار داشت که به ما هشدار میداد که سنگر سوسیالیسم را تقویت کنید و به "گلگشت جوانان یاد ما را زنده دارید، ای رفیقان".

در بدو امر فیلم تاریخی "اکتبر" اثر سرگی ایزن شتاین کارگردان مشهور... ادامه در صفحه ۴

جشن سالگرد انقلاب اکتبر، انقلابی که مبشر آزادی بشریت بود و هست با شکوه هرچه تمامتر با حضور حدود دویست نفر دوستداران کمونیسم و مارکسیسم لنینیسم، حامیان طبقه کارگر و مبارزان راه آزادی وی در شهر فرانکفورت آلمان توسط حزب کار ایران (توفان) کمیته آلمان در تاریخ ۵ نوامبر ۲۰۰۵ برگزار شد.

محل برگزاری جشن با شعارها و خواستههای زیر ترین شده بود:

زنده باد مارکسیسم لنینیسم

زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

آزادی همه زندانیان سیاسی

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع

مرگ بر امپریالیست آمریکا دشمن عمده خلقهای جهان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی در ایران

در جلوی صحنه نام حزب کار ایران (توفان) بر

## به حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

## گزارش سیاسی هیات...

ایران به جنگ و سرکوب باعث شد که اپوزیسیون ایران به اتخاذ موضع سیاسی بپردازد. روشن بود که گماشتگان امپریالیست و صهیونیست در ایران راهی ندارند تا چاکرمنشی خویش را نسبت به اربابان خویش بیشتر نمایان سازند. این دو پیچ تاریخی تفاله های انقلاب ایران را بر روی آب آورد. تجاوز به عراق و مسئله استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای در کنار مسایل سابق بود ملامک مهم دآوری در برخورد به ماهیت سازمانهای اپوزیسیون ایران بدل شده است.

سلطنت طلبان معلوم الحال و زنگارگرفته، روشنفکران شاعر، نویسنده، محقق، کارگردان "فرهیخته" و مزدور، مایوس و واداده و رنگ عوض کرده‌ی "رفراندمی"، گردانندگان کیهان لندی ارگان سیاسی سلطنت طلبان و زبان غیر رسمی وزارت جنگ آمریکا، "حزب کمونیست کارگری ایران" در تمام دارو دسته های رنگ و وارنگ منصور حکمتی آن، "حزب توده ایران"، "سازمان فدائیان اکثریت"، تجزیه طلبان ناسیونال شونیست آنری، بلوچ و عرب و "حزب دموکرات کردستان ایران" در اردویی قرار دارند که تجاوز ضد بشری و وحشیانه امپریالیستها به عراق را تأیید کرده از استعمار استقبال نموده و آرزو میکنند که این دموکراسی ضد بشری امپریالیستی را که دستش به خون بیش از صد و بیست هزار مبارز و میهنپرست عراقی آلوده است به ایران نیز قدم رنجه کند. خیانتی از این عریان تر در تاریخ ایران بیسابقه است. این عده ستون پنجم امپریالیست در ایران هستند. طبیعی است که سلطنت طلبان در آرزوی نشستن بر مسند حکومت اند تا دامار از روزگار نیروهای مترقی بدر آورند، "حزب دموکرات کردستان ایران" که از انقلاب رویگردان شده، مضمون مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک خویش را متاسفانه بدور افکنده در همدستی با امپریالیست و صهیونیستهای اسرائیلی توامان با دارو دسته "کومه" به رهبری عبدالله مهدی در فکر تجزیه ایران است و بعنوان یک نیروی تجزیه طلب و ناسیونال شونیست ضد انقلابی باید مورد ائتلاف قرار گیرد. حزب دموکرات کردستان ایران به عبث فکر میکند که میتواند خلق کرد را برای قتل عام سایر خلقهای ایران دست در دست امپریالیسم و صهیونیسم آماده سازد و نقش کثیف "اتحاد شمال" را در ایران بازی کند. هر ممانتاتی با این دارو دسته، گمراه کردن خلق کرد و قربانی کردن منافع این خلق در پای مطامع امپریالیستها و صهیونیستهاست. تکلیف توده ایها و اکثریتها روشن است. رویونیسم همانگونه که ما بارها گفته و پیشگویی کرده‌ایم همدست امپریالیسم است و ما با این واقعیت در عراق روبرو هستیم. رویونیستهای عراقی با امپریالیستها و صهیونیستها در قتل عام مردم عراق سهیمند و رویونیستهای ایرانی از استعمار امپریالیستی در عراق حمایت میکنند. و مردم قهرمان عراق رویونیستها را به صلابه میکشند و به سزای اعمال خیانتکارانه شان میرسانند. یک لحظه نیز نباید این مبارزه ضد رویونیستی را ترک کرد. رویونیستها ستون پنجم بورژوازی امپریالیستی در جنبش کارگریند. اما "حزب کمونیست کارگری ایران" حکم "اشانتیونی" را دارد که با ظاهر رادیکال و عربده های ضد اسلامی وظیفه رخنه در جنبش انقلابی را داشته و باید روی آوران به جنبش کمونیستی را به گمراه بکشاند، آنها را به آشفته

فکری دچار سازد، تاریخهای جعلی و دروغ بخوردشان دهد، اسنادی که امپریالیستها در آرشیوهای خویش برای این روزها پنهان کرده بودند را بیرون بکشند و بنام نوآوری بخورد مردم دهند و سر انجام بعنوان یک پای معامله برای حفظ ظاهر دموکراتیک تحولات آتیه به میدان آیند و با سلطنت طلبان و توده ایها در یک سناریوی سفید همبستر شوند. جای شگفتی است که "سازمان مجاهدین خلق" با آن سابقه انقلابی و ضد امپریالیستی در دریائی از خون مبارزان ضد امپریالیست و ضد صهیونیست و ضد نظام سلطنتی بدره‌ای سقوط کرده است که از سازمانی که روزی مورد احترام مردم میهن ما بود، فرقه‌ای ضد انقلابی و جاسوس امپریالیست و ارتجاع در منطقه بجای مانده است. هیچ بهانه تئوریک در دشمنی با رژیم جمهوری اسلامی توجیه گر همدستی با امپریالیسم و استعمار نیست. چنین روشی مغایر اهدافی است که مجاهدان این راه، در راه آن آرمانپرستانه به شهادت رسیدند. آنها جانب‌باختگان راه آزادی ایران، جانب‌باختگان مبارز ضد امپریالیست و ضد صهیونیست بودند. نزدیکی و حتی همکاری با امپریالیستها توهین به این گذشته افتخار آمیز است و مسلماً از جانب مجاهدان انقلابی بی پاسخ نمیماند. اسناد و اعترافات غیر قابل انکار موجود مبنی بر نقش "سازمان مجاهدین خلق" در انتخاب و انتقال اطلاعات بیرامون پژوهشهای اتمی ایران به آمریکا و باین ترتیب تعیین هدفهای بمبارانهای آمریکا و اسرائیل در ایران، دال بر همدستی مجاهدین در عراق با عوامل سازمان جاسوسی آمریکا میباشد. باین جهت این تشکل خویشتر را از جبهه نیروهای مخالف ارتجاع و امپریالیسم خارج کرده و در خدمت مطامع آزمندانها آنها قرار داده است. تلاش این سازمان برای خارج شدن از فهرست اسامی سازمانهای تروریستی که آمریکائی ها بر اساس منافع خویش تعیین کرده اند، حرکتی تسلیم طلبانه و خفت انگیز و غیر قابل توجیه است.

آنوقت این پرسش مطرح است که لزوم بقاء مستقل این سازمان برای چیست؟ ضرورت وجودش در چیست؟ مرز تمایزش با سایر اقشار ضد انقلابی و گماشته امپریالیست و صهیونیست در کجاست؟ چگونه چنین سازمانی که با این اقداماتش جز نفرت عمومی در ایران برای خویش توشه‌ای مهیا نمیکند، قادر است در فردای انقلاب ایران در صحنه ظاهر شود و ادعای کسب قدرت سیاسی را داشته باشد. کار چنین سازمانی بنظر ما تمام است و هیچ ضرورتی برای بقاء آن وجود ندارد.

### کمونیستها و وضعیت کارگران و خطر انحراف سندیکالیستی و آناشیستی

در ایران علیرغم اعتلاء جنبش کارگری، رادیکالتر شدن شعارهای آنها و حضور بیشتر آنها در صحنه، هنوز این جنبش حالت تعرضی به خود نگرفته است. در چنین وضعیتی چه در ایران و چه در خارج با این خطر فکری روبرو هستیم که عده‌ای از روشنفکران و فعالین سرخورده در جنبش کارگری اهمیت حزب را در رهبری طبقه کارگر به صفر رسانده و نقش کارگران غیر حزبی را که گویا بدون حزب و آگاهی سوسیالیستی قادرند آزادی خود را از سرمایه داری بگیرند، به اوج میرسانند. وجود پاره‌ای شعارهای سوسیالیستی در راهپیماییهای اعتراضی کارگران در ایران که توسط کارگران

حزبی و یا سابقاً حزبی و آگاه صورت گرفته است به این توهن ضد کمونیستی و اکونومیستی دامن زده است. "کارگر همه چیز و حزب هیچ چیز"، "نیروی عینی همه چیز و نیروی ذهنی هیچ چیز"، "جنبش همه چیز و تئوری هیچ چیز" این هاست شعار این منحرفین. از تبلیغات آنها چنین فهمیده میشود که کارگران باید بخودشان اعتماد کنند، تولید را خودشان بگردانند و فعالیت خویش را در کادر مبارزه صنفی و اتحادیه‌ای که گویا همه چیز است محدود کنند. آنها نقش عنصر آگاه را در رهبری طبقه کارگر به صفر میرسانند و این نوع تبلیغات دقیقاً از جانب کسانی دامن زده میشود که خودشان در گذشته بیشترین ضربه ها را با درک غلط از نقش و اهمیت حزب و رهبری و مدیریت و دیکتاتوری پرولتاریا به طبقه کارگر زده اند. اینها در عین حال بازتاب و درک راست روانه از تفکر چریکی است که شعار را بجای شعور میگذاشت و با تفنگ بر دست کتاب را لعنت کرده، حزب را مظهر بروکراتیسم جا زده و میخواست قهرمانانه موتور بزرگ را با نیشهای کوچک به حرکت در آورد. اراده گرایی همیشه به قعر اکونومیسم سقوط میکند. آنها کفاره گناهان گذشته خود را با گناهان جدیدی جبران میکنند. از نظر کمونیستها مبارزه طبقه کارگر در کادر اتحادیه های حرفه‌ای مبارزهای برای بهبود شرایط زندگی آنها در کادر نظام حاکم است یعنی مبارزهای در چارچوب نظام استثماری است. اتحادیه کارگری ارگان رهبری انقلاب و یا ابزار کسب قدرت سیاسی و ارگان رهبری اقتصاد پس از کسب قدرت سیاسی نیست. اتحادیه کارگری در برگیرنده قشر عظیم و توده اکثریت طبقه کارگر است که فقط برای بهبود شرایط زندگی خویش و نه الزاماً استقرار جامعه سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا مبارزه میکند. اتحادیه کارگری هدفش جلب پیشاهنگ پرولتاریا نیست، بلکه میکوشد اگر نه همه بلکه اکثریت طبقه کارگر را به حول منافع صنفی وی متشکل گرداند. اتحادیه صنفی کارگران ابزار مبارزه کارگران در عرصه اقتصادی است. اتحادیه کارگران بنا بر ترکیب و ماهیت وظایف خویش هرگز نمیتواند نماینده کارگران کمونیست و ستاد پیشاهنگ پرولتاریا باشد. جای کارگران کمونیست در حزب طبقه کارگر بعنوان سازمان رهبر، سازمانی است که بر سایر سازمانهای موجود طبقه کارگر رهبری خویش را اعمال میکند. فعالیت کارگران در اتحادیه کارگری فقط تلاش آنها در یکی از عرصه های مبارزه و در یکی از سازمانهای متعدد طبقه کارگر است. کمونیستها باید در درون اتحادیه ها به طبقه کارگر یاری رسانند که بتواند خواستهای معیشتی و رفاهی را که حتی بدون حضور کمونیستها هر روز و هر ساعت ضرورتش را احساس میکند طرح کند و برایش مبارزه نماید. کمونیستها باید پیشروان طبقه را جلب کنند و نشان دهند که برای کسب قدرت سیاسی و رهبری سیاسی مبارزه به حزب طبقه کارگر نیاز است. آنها باید بتوانند میان مبارزه حرفه‌ای و سیاسی طبقه پیوندی ایجاد کنند. آنها باید تلاش کنند اتحادیه های کارگری را به هواداری از حزب طبقه کارگر فرا بخوانند، اهمیت تشکیلات سیاسی را برای طبقه کارگر مطرح کنند و آگاهی سوسیالیستی را که از آسمان چون وحی نازل نمیشود به میان آنها ببرند. وقتی ما از سازمانهای مستقل کارگری، از سازمانهای غیر حزبی حمایت میکنیم منظورمان این است که اتحادیه... ادامه در صفحه ۳

## سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران

## گزارش سیاسی هیات...

های حرفه‌ای طبقه کارگر باید جدا از تشکلهایی باشند که رژیم برای کارگران بنام شوراهای اسلامی ساخته و پرداخته است. کارگران باید اتحادیه‌هایی ایجاد کنند که رهبری آنها را کارگران خود فروخته و وابسته به رژیم در دست نداشته باشند. این امر جایگزین حزب نیست و جای جنبش برای کسب قدرت سیاسی را نیز هرگز نمیگیرد. کارگران میتوانند هسته‌های مخفی برای پیشبرد خواسته‌های کار حرفه‌ای ایجاد کنند ولی هیچکدام از این اقدامات جای حزب و تشکل مستقل سیاسی طبقه کارگر را که وظایف دیگری دارد نمیتواند بگیرد. رفیق استالین می‌گفت: "حزب عالیترین شکل تشکیلات طبقه پرولتاریا است. البته معنای این مطلب آن نیست که سازمانهای غیر حزبی از قبیل اتحادیه‌های کارگری و کنوپراتیوها و غیره باید رسماً مطیع رهبری حزب باشند. مقصود فقط اینست که اعضای حزب، که داخل در این سازمانها بوده و در آن بلاتدرید دارای نفوذ تمام مساعی خود را برای ابقای آن بکار برند تا این سازمانهای غیر حزبی در کارهای خود با حزب پرولتاریا نزدیک شده و از روی رضا و رغبت رهبری سیاسی آنها قبول نمایند. بهمین جهت است که لنین میگوید حزب عبارت است از "عالیترین شکل تجمع طبقاتی پرولترها" و کلیه اشکال دیگر تشکلاتی زحمتکشان باید رهبری سیاسی آن باشد" (راجع به اصول لنینسم چاپ فارسی صفحه ۱۲).

انحرافی وجود دارد که انحراف سندیالیستی است و از کارگر صرفنظر از اینکه به کدام ایدئولوژی بورژوازی الوده باشد بت اعظم ساخته ر مقابلش سجده میکنند و ساده لوحانه تصور میکنند که صرف کارگر بودن، یعنی مترقی بودن، یعنی انقلابی بودن. آنها سوسیالیست شدن تعداد معدودی کارگران را که خود محصول صد سال مبارزه گذشته جنبش کمونیستی ایرانند و خود در اثر مطالعه علمی آثار کمونیستی و در همکاری و همیاری با روشنفکران کمونیست به حقانیت کمونیست پی برده اند را، به حساب همه طبقه کارگر گذارده و چنین جلوه میدهند که گویا بدون وجود تشکیلات کمونیستی امکان آموزش و بسیج و مبارزه موثر طبقه کارگر تا کسب قدرت سیاسی و حفظ این قدرت امکان پذیر است. کفایت کارگر بود تا در مقابل هر انحرافی مصون ماند. آنها نقش عامل آگاهی در مبارزه کارگران را به صفر میرسانند. آنها در پس پرده تئوریهای رنگ باخته و ارتجاعی اکونومیستی "توده پرستی" کارگری، دشمنی با حزبیت را تبلیغ میکنند. آنها جنبش کارگری را به گمراهی میکشند تا ابد چرخ پنجم مبارزه سیاسی بورژوازی باشد و امر مهم کسب قدرت سیاسی را هرگز به مخیله خویش نیز راه ندهد.

آنراکو سندیالیسم و سایر انحرافات کارگر پرستی ضد کمونیستی تنها در خدمت اسارت طبقه کارگر و حفظ وضع استثماراری موجود است. این رهبران سندیکانی ضد کمونیست و ضد حزب عملاً در همان راهی گام میگذارند که خوش آیند جمهوری اسلامی است. زیرا جمهوری اسلامی امروز به این نتیجه رسیده است که با تشکلهای، با حزبیت مبارزه کند. آنمهای پراکنده و عقل کل هائی که همواره نازا بوده اند برای این جمهوری خطری ندارند. برای این جمهوری قابل تامل اند. حزب ما

مصمم است که با این انحراف خطرناک در جنبش کارگری که به سترون کردن این جنبش می انجامد مبارزه کند.

## حزب کار ایران (توفان) و برخورد کمونیستی به مقوله حقوق بشر

کسانیکه با نظریات حزب ما آشنا هستند میدانند که برخورد ما به اساس مسئله حقوق بشر چگونه است. ما آنرا بارها در نشریات خود تشریح کرده ایم. بنظر ما اعلامیه جهانی حقوق بشر یک اعلامیه ماهیتاً بورژوازی است. در این اعلامیه حقوقی برای بشر منظور نظر قرار گرفته است که در خدمت منافع بورژوازی و نظام مورد تمایل وی باشد. در این اعلامیه اصل را بر این گذارده که نظام اقتصادی باید نظامی باشد که اصل مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را بپذیرد، فردگرایی بورژوازی منشأ یافته از مالکیت خصوصی را در مقابل منافع جمعی انسانها قرار دهد. طبیعتاً کمونیستها نمیتوانند با چنین اصلی موافق باشند. کمونیستها اصل مالکیت اشتراکی بر وسایل تولید را اصلی عالیتر و مترقی تر از مالکیت بورژوازی بر وسایل تولید به حساب میآورند. پس روشن است هر اعلامیه و خواستی که بخواهد اعلامیه جهانی حقوق بشر مبنای تعیین حکومت آینده ایران قرار دهد از هم اکنون ماهیت ضد دموکراتیک خویش را رو کرده و نشان داده است که حق کمونیستها را در انتخاب نوع حکومت با مودیگری و نقاب "بشر دوستی" پامال ساخته است. برخورد کمونیستها به مسئله حقوق بشر مانند برخورد آنها به هر مسئله دموکراتیکی است. ما در عین اینکه هرگز نافی نیهیلیستی حقوق بشر بورژوازی نیستیم و برای تحقق آن از جان و دل مبارزه میکنیم و حتی بورژواها را افشاء میکنیم که نه در عراق و نه در افغانستان و نه در آمریکا و نه در گوانتانامو و نه در نزد پینوشه، جان اسمیت، آریل شارون، محمد رضا شاه، سهارتو، نگودین، نیکم، سینگمان ری، چانکیچیک و... به آن عمل کرده و از جان و دل برای تحقق حقوق بشر فعالیت نکرده اند. حتی امروز نیز میکوشند جنایتکارانی نظیر پینوشه را با مکر و حیل از پیگرد قانونی برهانند. ما میگوییم بورژواها حقوق بشر را وسیله عوامفریبی برای انقیاد ملل کرده اند و کسی که به حقوق بشر و ملل متوسل میشود ولی در مورد این دغلکاری امپریالیستها و بورژواها سکوت میکند و فرق خود را با امپریالیستها و عمالشان نشان نمیدهد ریگی در کفش دارد. ما میگوییم باید حقوق بشر را ارتقاء داد. جهان به سمت تحول و تکامل پیشرفته و نمیتوان فقط به لوحه کورش در مورد حقوق بشر و یا دستاوردهای انقلاب آمریکا و فرانسه قناعت ورزید. امروز بشریت انقلابات کبیر اکثیر در روسیه و چین را پشت سر گذاشته است. قانون اساسی این ممالک در زمانی که سوسیالیستی بودند حقوق شهروندان را معین نمودند. حقوقی بشری که امروز باید ملاک ما قرار گیرد نمیتواند به این سابقه غنی تاریخی متکی نباشد و از آن الهام نگیرد. بشر غیر طبقاتی موجود نیست. بشر غیر طبقاتی بشری مستقل و جدا از اجتماع و بشری از کره مریخ است. بشر تنها در اجتماع مفهوم دارد، بشر دارای علاقی اجتماعی است. هر انسانی حق کار دارد و این حق باید برای وی همیشه تضمین گردد. بیکاری دشمن بشریت است و کسانیکه انسانها را از حق کار محروم میسازند نمیتوانند مدافعان واقعی حقوق بشر باشند. آنها در واقع از حقوق یک اقلیت ناچیز استثمارگر

حمایت میکنند. باید این حق برای همه انسانها به رسمیت شناخته شود تا آنها دارای تامین زندگی باشند و با هراس شب را به روز نیاورند. هیچ انسانی را نمیتواند از کار بیکار ساخت و به گرسنگی محکوم کرد و خانواده‌اش را متلاشی ساخت و مرگش را تسریع کرد. این کار نکوهیده را ولی هواداران بورژوازی حقوق بشر انجام میدهند و هیچیک از سینه چاکان آنها به این امر اعتراضی ندارد، آنها بر روی این واقعیت پرده‌ای از استتار میکشند. حقوق بشر آنها، بشر دوستی آنها صوری است. آنها برای حقوق بشری گریبان میدهند که تا ابد در خدمت سرمایه داران و مفسران اندیشمندان بورژوازی آنها باشد. ما میگوییم بهره کشی انسان از انسان مغایر حقوق بشر است و باید آنرا به شیوه علمی ملغی ساخت. ما اعتقاد نداریم که به اسارت گرفتن بشر را میشود با تئوریهای ارتجاعی "آزادی بازرگانی و آزادی اقتصاد بازار" توجیه کرد، ولی بورژواها زندگی خویش را بر اساس بهره کشی و تقدس مالکیت خصوصی بر وسایل تولید برپا ساخته‌اند و لذا مخالف برجیدن این ستم هستند. آنها بشرهائی را دوست دارند که برده باشند و بهره کشی را مجاز شمرند و مکیدن خونشان را تحمل کنند. آنها به بشرهائی سر براه نیاز دارند. بشر دوستی آنها طبقاتی و بورژوازی است. ما میگوییم در کنار همه حقوقی که بشرها در طی تاریخ کسب کرده‌اند باید این حقوق بر شمرده را نیز به حقوق بشر افزود و اعلامیه آنرا بر این اساس مجدداً تدوین کرد. بشر حق دارد که سوسیالیسم را انتخاب کند. اعلامیه کنونی حقوق بشر آنرا انکار میکند. این انکار دموکراتیک نیست زورگویی بورژوازی است که حق انتخاب را از انسانها به بهانه احترام به حقوق بشر سلب میکند. حقوق بشری که ما خواهان آن هستیم باید ستم ملی را برافکند و برای همه ملتها حقوق برابر قایل شود. این حقوق بشر نباید میان زن و مرد در هیچ زمینه‌ای تبعیض قایل شود. حقوق بشری که ما به آن معتقدیم باید حق پناهنده‌گی سیاسی را به رسمیت بشناسد و از راهروان آزادی طبقه کارگر و خلقهای تحت ستم حمایت نماید. حقوق بشری که ما به رسمیت میشناسیم باید حق تامین اجتماعی را برای انسانها برسمیت شناخته و آنرا عملی نماید. حق اعتراض و اعتصاب کارگران را بپذیرد، حق استراحت و مرخصی را برای شهروندان برسمیت بشناسد و از نظر قانونی تضمین کند. حقوق بشری که ما می طلبیم باید استفاده از خدمات رایگان بهداشتی، حق آموزش اجباری رایگان و تحصیلات عالی را برسمیت شناخته و آنرا تضمین نماید. ارزشهای عالی بشری دستاوردهای مبارزه طولانی زحمتکشان است که باید از حق آزادی بیان، اجتماعات، احزاب برخوردار باشند و هیچکس و هیچ کجا متعرض آنها نگردد. ما خواهان آزادی وجدان بشری هستیم، ما مخالف استثمار فکری و شستشوی مغزی انسانها توسط کهنه پرستان میباشیم و لذا باید مذهب را از دولت و آموزش جدا کرد و آزادی تبلیغات مذهبی را برسمیت شناخت. این ارزشها ارزشهای عالی بشری است که باید جای شایسته خویش را در اعلامیه حقوق بشر پیدا کنند. ما به حقوق بشر انتزاعی و مجرد و افسانه‌های اعتقادی نداریم. حقوق بشر باید معین و مشخص باشد. باید حق میلیونها شهروند زحمتکش را بپذیرد و در جهت تحقق تضمینهای لازم را فراهم کند.

\*\*\*

پشتیبانی از اشغال عراق و ارتش اشغالگر حمایت از استعمار است



**برگزاری کنفرانس...**

آنگاه از مبارزه آزادیبخش مردم عراق صحبت میکردند و مواضع حزب کار ایران (توفان) را میستودند. اسناد منتشر شده از طرف حزب کار ایران (توفان) مبنای تبلیغات سایر احزاب مارکسیستی لنینیستی در جهان است. آنها به وضعیت مسخره احزاب رویزیونیست اشاره داشتند که به همدست امپریالیستها در منطقه بدل شده اند. از جمله کار رویزیونیستهای یونان به جانی رسیده است که از ترس مردم یونان فقط به انتشار نظریات حزب رویزیونیست عراق قناعت کرده و با افزودن این جمله که این نظر "حزب کمونیست عراق" است و گویا به حزب رویزیونیست یونان مربوط نیست مانند همه اپورتونیستها از اظهار نظر مشخص فرار میکنند. کمونیستهای یونانی از آنها میپرسند که نظر خودتان چیست و چه موضعی را برای طبقه کارگر یونان پیشنهاد میکنید. آنها به این پرسش منطقی پاسخی نمیدهند. این درپوزگان رویزیونیست راه فراری ندارند و در عمل است که ماهیت خائنانه رویزیونیسم بر ملا میشود. حزب ما نیز نظریات خائنانه حزب رویزیونیستی توده ایران را که همدست امپریالیستها در عراق است و از رژیم دست نشانده عراق حمایت کرده و برگزاری کلیه انتخابات قلبی در عراق اشغالی را مورد تأیید قرار میدهد

بر شمرده و تأیید کرد که **رویزیونیسم همدست امپریالیسم است** و این اصل درست هر روز بیشتر ماهیت خویش را نشان میدهد.

کنفرانس گزارش مبارزه با تروتسکیستهای ونزولائی را که در سال گذشته از کنفرانس اخراج شده بود به سمع حضار رسانید و بیان کرد که اعلامیه کنفرانس در میان طبقه کارگر ونزولا و مردم و نیروهای انقلابی با استقبال فراوانی روبرو شده است. جریان تروتسکیستی ونزولا آشکارا با نیروهای ضد انقلابی و آمریکائی و ونزولا همکاری میکند. کنفرانس این سناریوی سفید را محکوم کرد و بر اخراج این دارو دسته تروتسکیستی صحنه گذارد. جنبش کمونیستی از این مبارزه سربلند و با موفقیت بیرون آمد.

احزاب برادر در کنفرانس پیرامون وضع خویش و موفقیت‌هایشان در مبارزه طبقاتی سخن راندند. سازمان کمونیستی اکثر در اسپانیا اعلام کرد که در طی مذاکرات فراوان با چهار سازمان کمونیستی دیگر و از جمله جمهوریبخوهران کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست اسپانیا را احیاء خواهند کرد. این موفقیت مهمی برای کمونیستهای اسپانیا و طبقه کارگر این کشور است تا مبارزه انقلابی خویش را بر ضد حاکمیت بورژوائی و رویزیونیستها بخاطر استقرار یک نظام جمهوری کمونیستی به پیش برد.

رفقای آمریکای جنوبی در گزارش سمینار منطقه ای خویش در مورد مبارزه ضد امپریالیستی، انقلاب سوسیالیستی در کشور واحد، دولت دوران گذار و چگونگی حفظ آن در صورت پیروزی به بحث پرداختند.

رفقای دومینیکن گزارش دادند که در منطقه کارائیب به برگزاری سمیناری در مورد حقوق بشر پرداخته اند و این مبارزه را برای تحقق حقوق بشر را، با مبارزه ضد امپریالیستی و ضد استعماری پیوند زده اند. حزب کار ایران (توفان) در طی نشست مشترک با آنها با شرکت رفقای ترکیه نقطه نظریات خویش را در مورد حقوق بشر، دسیسه های امپریالیستی و

چگونگی پیشبرد این مبارزات با آنها مطرح کرد. نخست آنکه مبارزه برای تحقق حقوق بشر یک مبارزه مثبت است که ماهیتا بورژوائی است. کمونیستها باید این مبارزه را در خدمت بشریت ارتقاء دهند و حق کار و نابودی استثمار انسان از انسان را نیز به آن بیفزایند. از این طریق دست سرمایه داری و بورژوازی را در استفاده از این مقوله صوری برملا میکنند. این مبارزه بدرستی باید با مبارزه ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و ضد استعماری پیوند بخورد تا دست امپریالیستها برای فعال کردن سازمانهای وابسته به خودشان که جاسوسان فیزیکی و ایدئولوژیک آنها هستند بسته شود. در عین حال باید سابقه به زیر پا گذاشتن حقوق بشر را در حال و گذشته توسط امپریالیستها نشان داد. در شیلی و آرژانتین در نیکار آگوئه و کوبای باتیستا، در افغانستان، در گوانتانامو و زندان ابو غریب عراق و زندانهای سری آمریکا، در ایران شاه و اندونزی سوهارتو و... این تبادل نظر و تبادل تجربه در برخورد به مسئله حقوق بشر که یکی از اهرمهای ایدئولوژیک و نفوذی امپریالیستها میباشد برای بسیاری از رفقای کمونیست جالب بود که زین پس از این تاکتیک برای مبارزه با امپریالیسم و روشنفکران فروریخته و واداده استفاده میکنند.

رفقای آفریقا از تشدید مبارزه طبقاتی در آفریقا سخن گفتند و رابطه جنگهای برافروخته میان کشورهای آفریقائی و نقش ممالک امپریالیستی در آنها را بر ملا نمودند.

کنفرانس در عین حال سندی تاکتیکی تنظیم کرد که باید پس از بحث و تبادل نظر به سند سیاسی کنفرانس و مبنای همکاری همه احزاب بدل گردد. این سند مورد بحث و بررسی و تبادل نظر فراوان قرار گرفت بطوریکه بعلت همان مشکل ترجمه و عدم درک یکسان و صحیح از مطالب مندرج در آن کار تصویب آن در کنفرانس بعلت شرایط تحمیلی ارتجاع و کمبود وقت به بعد موکول شد ولی همه شرکت کنندگان با شرکت وسیع در بحثهای مربوط به آن و ارائه پیشنهادات به غنای این سند کمک فراوان کردند.

حزب کار ایران نیز فعالانه در بحثها شرکت کرد و نقطه نظریات خویش را در برخورد به مذهب، در برخورد به مسئله ملی در ممالک کثیر المله، در برخورد به نقش حزب به عنوان عامل ذهنی و رهبری کننده انقلاب و رابطه آن با توده کارگران پیشرو و طبقه کارگر، در برخورد به مسئله استقلال و عدم وابستگی در جهان امپریالیستی و مقوله استقلال و وابستگی اقتصادی، برخورد به نیروهای مانوئیستی مطرح کرد که مورد بحث قرار گرفته و در اصل سند بازتاب یافتند.

قرار شد به مسئله تضادهای اساسی جهان، نقش امپریالیستها، نقش اتحادیه اروپا و کشور چین، پایان کار دول رفاه و گسترش و فقر و فاقه در جهان و حتی ممالک پیشرفته سرمایه داری بیشتر اشاره شود.

کنفرانس سپس به تصویب قطعنامه ها پرداخت، از مبارزات خلقهای عراق و فلسطین دفاع کرد و به مسئله پناهندگان آفریقای که در پای دیوار اتحادیه اروپا جان میدهند پرداخت و حمایت خویش را از طبقه کارگر ایران و مبارزاتش

اعلام داشت و بزرگداشت روز تاریخی انقلاب اکثریت را اقدامی ارزنده خواند که باید سنت آن از طرف همه احزاب برادر زنده نگهداشته شود. رفقای دانمارک دعوت کردند که رفقای سایر احزاب برادر با دوستان و آشنایان خویش در اردوی تابستانی جوانان آنها که در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۶ به مدت یک هفته برگزار میشود با پرداخت ۶۰ یورو شرکت کنند. تدارکات این اردو به عهده رفقای دانمارک است.

کنفرانس پس از چند روز به کار خویش با موفقیت پایان داد.

\*\*\*\*\*

**گزارش گردهمایی...**

شوروی که آنرا در سال ۱۹۲۷ به مناسبت ده سالگی پیروزی انقلاب اکثریت با همان پوشاک و ابزار و سلاحها سال ۱۹۱۷ بصورت مستند ساخته بود نمایش داده شد. مضمون این فیلم روزشمار انقلاب اکثریت است. از پیروزی این انقلاب در ماه فوریه، سرنگونی تزار شروع میشود و تا پیروزی انقلاب کبیر پرولتاریائی اکثریت ادامه دارد. این فیلم بر سراسر مسیر انقلاب اکثریت مروری مستند میکند.

ما در این فیلم که بصورت سمبلیک سرنگونی تزار را در ماه فوریه نشان میداد شاهد روی کار آمدن کرنسکی شدیم. وی میخواست به جنگ امپریالیستی ادامه دهد و از دادن زمین به دهقانان خودداری کرد. وی میخواست همان سیاست تزارها در لباس جدید را در همکاری با امپریالیستهای فرانسه و انگلستان ادامه دهد. فیلم نشان میداد که چگونه شوراها کارگران، دهقانان و سربازان که در زیر نفوذ سوسیال رولوسیونرها و منشویکی بودند بتدریج با کار افشاءگرانه بلشویکها به رهبری لنین به زیر نفوذ بلشویکها در آمدند و چگونه لنین به روسیه وارد شد، مورد پیگرد قرار گرفت و در فنلاند پنهان گردید و تزه های اوریل خویش را برای انجام یک انقلاب سوسیالیستی مطرح ساخت. فیلم وجود قدرت دوگانه را در کاخ زمستانی و عمارت اسمولونی که محل شوراها بود نشان میداد. ما شاهد بودیم که چگونه کودتای کورنیلوف برای بازگرداندن تزار با مقاومت توده های کارگران و دهقانان در هم شکست. ما شاهد بودیم که چگونه کمیته های انقلابی سربازان با تبلیغات بلشویکها به حمایت از کارگران برخاسته و از جبهه ای جنگ فرار کرده و به جنبش انقلابی میپیوستند. در جبهه ها فریاد برادری میان سربازان ملل گوناگون که یکدیگر را در بر میگرداند بر هوا بود. فیلم نشان داد که کرنسکی با رشد انقلاب فرار را بر قرار ترجیح داد و با ماشین سواری سفیر آمریکا که دارای مصونیت سیاسی بود از روسیه فرار کرد. فیلم نشان داد که لنین خواهان قیام مسلح بود و تأمل در این امر را که در شرایط مناسب وضعیت انقلابی پدید آمده بود خیانت به انقلاب میدانست و تروتسکی با قیام مسلح مخالف بود ولی در زیر فشار منطق نیرومند لنین که اکثریت را به جانب خویش داشت مزورانه رنگ عوض کرد. لنین با کار هوشیارانه و افتاعی و با حوصله نشان داد که کرنسکی خواهان تغییر بنیادی جامعه نیست. پیشگویی لنین درست از کار درآمد. وی میخواست با شعار "دفاع از... ادامه در صفحه ۵"

**ماخواهان خروج بی قید و شرط امپریالیست آمریکا از کشور عراق هستیم**

## پیام کمونیستهای ترکیه حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست ترکیه/ کردستان شمالی دفتر بین المللی

به حزب کار ایران (توفان)

رفقای عزیز،

در هشتاد و هشتمین سالگرد انقلاب کبیر و پر شکوه  
اکتبر، ما با احساسات فراوان بهمراه میلیونها نفر در  
ترکیه و کردستان شمالی به شما که انقلاب اکتبر را با  
افتخار جشن میگیرید درود میفرستیم.

برای ما نور تابنده انقلاب اکتبر بیانگر چیست؟

قبل از همه، انقلاب اکتبر ثابت نمود که وجود  
بورژوازی برای جهان لازم نیست، که پرولتاریا  
میتواند قدرت طبقاتی خود را بدون این طبقه انگل بر  
پا کند، که طبقه کارگر توان اداره خویش را دارد.  
انقلاب اکتبر نشان داد که ملتها میتوانند بدون هیچ  
نزاعی دوش بدوش هم و در کنار هم در صلح و  
صفا زندگی کنند.

انقلاب اکتبر نشان داد که استثمار طبقاتی، ملی، و  
جنسی زنان که نیمی از زندگی و مبارزه را تشکیل  
میدهند میتواند پایان یابد. انقلاب اکتبر نشان داد که  
رهائی زنان تنها در سوسیالیسم امکان پذیر است.

انقلاب اکتبر خالق بهداشت و فرهنگ و آموزش  
سوسیالیستی که نیازهای اولیه جامعه اند بود  
انقلاب اکتبر بیگانگی انسان از خود و دیگران را در  
هم شکست.

امروز در این دنیایی که حلقوم مردمان را میفشرد،  
دنیایی که در آن زنان و کودکان بفروش میرسند و  
بیکاری و فقر و گرسنگی و عدم آموزش و بیگانگی  
و جنگ همه گیر شده است انقلاب اکتبر جوانه  
امیدمان برای آینده ای درخشان است.

دفاع از انقلاب اکتبر و سوسیالیسم که در آن روز  
تاریخی با خون و رنج و عرق طبقه کارگر برپا شد  
بمعنای دفاع از آینده خردمان است.

نظریه پردازان امپریالیستی با همه دسیسه هایشان  
نمیتوانند خاطره انقلاب اکتبر را از ضمیر  
پرولتاریای جهان و توده های کار بزدایند.

رفقای عزیز،

در این برنامه پر اهمیت که آنرا تدارک دیده اید ما  
شما را با ظرافت دستان پینه بسته پرولتاریایمان و  
نگاه گرم مردم کردستان در آغوش میکشیم.

زنده باد هشتاد و هشتمین سالگرد انقلاب اکتبر!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

زنده باد مارکسیسم لنینیسم!

بسوی اکتبر های دیگر!

۳۰ اکتبر ۲۰۰۵

\*\*\*\*\*

اندازه احساسات ما را درک کردند که ما احساسات  
آنها را. زیرا هر دوی ما به ملل تحت ستم تعلق داریم.  
آنها در مورد چه گوارا و انقلاب کوبا نواختند از  
شهادت دوران دیکتاتوری جنایتکار ضد بشر بنام  
ژنرال پینوشه دوست شاه ایران و هیتلر آمریکای  
جنوبی سخن راندند و در وصف مبارزه مردم در آن  
دورانه ترانه های سروده شده را با موسیقی لاتین  
آمریکا به اجراء گذاردند و سرانجام نوبت به رفقای  
کمونیست حزب برادر ما در ترکیه رسید و آنها توسط  
رفقای کرد که به گروه "کدیف" تعلق دارند به کردی  
آهنگهایی اجراء کردند که به دل ما می نشست و  
مظهر برادری میان ملل بود. روحیه انترناسیونالیستی  
فضای جلسه را انباشته بود. جایی برای ناسیونالیسم  
کور و آدمکش که خود را برای قوم کشی با تبلیغات  
نفرت ملی آماده میکند وجود نداشت. ترک و کرد و  
فارس و سایر ملل ایران و منطقه و سراسر جهان در  
کنار هم بودند و این معجزه انقلاب اکتبر و  
انترناسیونالیسم پرولتری است که این امکان تفاهم بی  
همتا را فراهم میآورد. این بود که این گردهمایی  
کمونیستی با سرود انترناسیونال در این شب فراموش  
نشدنی به پایان رسید.

در این شب مجریان برنامه از همه دعوت کردند که  
این روز تاریخی را که روز نجات بشریت است در  
آینده با همه نیروهای کمونیست و دمکراتهای انقلابی  
جشن بگیرند تا این سنت انقلابی زنده بماند. دو سال  
دیگر نود سالگی انقلاب اکتبر است برای برگزاری  
این جشن کبیر باید از هم اکنون آماده شد.  
آنچه در این نشست جلوه میکرد حضور خانواده ها  
همراه با نسل جوان بعد از انقلاب بود. این نشانه  
خوبی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

در بدو سخنرانی مجری برنامه اعلام کرد که پیامهای  
زیادی از نیروها، گروه ها، سازمانها، و احزاب  
ایرانی و خارجی رسیده است که ما با عرض تشکر از  
آنها بعلت ضیق وقت فقط به ذکر نام آنها قناعت میکنیم  
و فقط متن پاره ای از آنها را در نشریه ارگان منتشر  
مینماییم. آنها عبارت بودند از احزاب برادر حاضر در  
کنفرانس سوم.

رفقا از احزاب برادر اکوادور، برزیل، دومینکن،  
مکزیک، کلمبیا، تونس، بورکینافاسو، اسپانیا، فرانسه،  
آلمان، نروژ، دانمارک، یونان، ترکیه و سایر تشکلهای  
از جمله حزب کمونیست مارکسیست لنینیست  
ترکیه(کردستان شمالی)، حزب مارکسیست لنینیست  
آلمان، سازمان فدائیان اقلیت واحد آلمان، ۱۹ بهمین  
تشکل سراسری هواداران چریکهای فدائی خلق ایران-  
کانادا)، حزب کمونیست ایران واحد فرانکفورت.

\*\*\*\*\*

## از کمکهای مالی رسیده سپاسگزاریم

رفیق امیر ۲۰۰ دلار

رفیق رحمان ۳۰ دلار

رفیق علی از شرق کانادا ۲۰ دلار

رفیق خسرو ۵۰ دلار

رفیق ن از غرب کانادا ۱۰۰ دلار

رفیق س از جنوب آلمان ۵۰ یورو

رفیق بیژن ۵۰ یورو

رفیق بابک ۵۰ یورو

رفیق عادل ۲۵۰ یورو

رفیق از فنلاند ۵۰ یورو

کمک به صندوق حزبی ۵۰۰ یورو

## گزارش گردهمایی...

میهن، کارگران و دهقانان فلاکت زده را گوشت  
دم توپ بورژوازی امپریالیستی نماید. کرنسکی که  
خود را دمکرات میدانست و بدامن امپریالیست  
آمریکا فرار کرد مدعی بود که بلشویکها را باید  
نابود ساخت زیرا جاسوسان آلمان هستند.

در حالی که فضای عمومی کشور تغییر کرده بود و  
خواستهای مردم در روند انقلاب تعمیق مییافت و  
رادیکال میشد کرنسکی قدرت شوراها را غیر  
قانونی دانسته و خواهان فراخواندن مجلس  
موسسان بورژوائی بود. مجلسی که روند انقلاب  
مهر باطله به آن زده بود. انقلاب با شتاب پیش  
میرفت و کرنسکی بیچاره میخواست جلوی آنرا  
بگیرد و در جامه تنگ قانون مجلس موسسان  
بچپاند و بنیاید. به مصداق این تجربه که "ما میگوییم  
شاه نمی خایم، نخست وزیر عوض میشه".

ایزن شتاین نشان میدهد که بلشویکها با نفوذ در  
ارتش، با تشکیل گارد سرخ و کمیته های نظامی  
انقلابی و بسیج مردم و رهبری شوراها از طریق  
فعالین حزب بلشویک شوروی با شعار صلح، نان  
و زمین به آن چنان نیروی مهمی در تحولات  
روسیه بدل شدند که به کاخ زمستانی با شلیک ناو  
"آورا" حمله بردند، خائنین را دستگیر کردند و  
انقلاب سوسیالیستی را به پیروزی رساندند.  
انقلابی بی نظیر در تاریخ بشریت. انقلابی که راه  
آزادی انسان را گشود.

پس از پایان فیلم گروه اسکندر مرکب از یک  
نوازنده ویلن که خود نیز صدای گرمی داشت و  
خانم خواننده خوش صدائی بنام سیما به اجرای  
برنامه موسیقی و ترانه های مترقی و انقلابی از  
زمان انقلاب مشروطیت تا زمان تبعید پرداختند.  
تنظیم تاریخی این ترانه ها بی نظیر بود.  
تماشاچیان که فریادهای دل خویش را از گلو  
خوانده میشنیدند با وی هم آواز شدند و فضائی  
سرشار از شور و شوق ایجاد کردند. کار موسیقی  
که بسیار عالی بود با خواندن ترانه ای به زبان  
آذربایجانی به اوج خود رسید. فضا سرشار از  
دوستی ملل بود و این همان نیتی بود که انقلاب  
اکتبر برای انجامش ظهور کرده بود. سالن در جا  
و یک صدا این ترانه را میخواند و مو بر بدن  
تماشاچی راست میشد. در تمام طول برنامه یک  
ارتباط عاطفی میان نوازنده، خواننده و تماشاچی  
برقرار بود. تشویق حضار گروه موسیقی را به  
اجرای ترانه های زیبای دیگری نیز وادار کرد  
ولی متأسفانه حجم برنامه و ساعت محدودی که در  
اختیار ما بود اجازه نمیداد که از این همه زیباییها  
ممنوع گردیم.

پس از اجرای برنامه موسیقی فارسی رفیقی در  
مورد انقلاب کبیر اکتبر روز نجات بشریت  
سخنرانی کرد و اهمیت این انقلاب در جهان و  
تأثیرات آن را بیان داشت. متن این سخنرانی در  
همین شماره ارگان منتشر شده است.

موسیقی رفقای شیلیایی بنام گروه "پاتریسیو  
پادیل" بیان مبارزه مردم آمریکای جنوبی بر ضد  
همه آدمکشان و دیکتاتورهای نظامی بود که  
امپریالیستهای آمریکائی "مدافع حقوق بشر" در  
این ممالک مستقر ساخته اند. این موسیقی نشان  
میداد که در سراسر جهان مردم بر ضد ظلم و ستم  
بر ضد امپریالیسم و ارتجاع مبارزه میکنند و از  
بمب اتم امپریالیستها هرگز باکی به دل راه  
نمیدهند. رفقای مترقی این گروه شیلیایی به همان

# مبارزه با تروریسم از مبارزه با امپریالیسم جدا نیست

میخواهند دنیا را بهم بریزند، آنها خرابکار و تروریست هستند.

انقلاب اکتبر یعنی بزرگترین دگرگونی تاریخ بشریت. یعنی روز نجات بشریت، اهمیت کار انقلاب اکتبر در عظمت آن است. این انقلاب انقلابی نیست که فقط جای طبقات را در قدرت سیاسی تغییر دهد، این انقلاب فقط در فکر تغییر مناسبات تولیدی نیست، فقط به مصادره کارخانه ها و بانکها و وسایل تولید اکتفاء نمیکند، این ساده ترین بخش انقلاب است. این انقلاب پس از انجام باید با نیروی عظیم و سیل خامانبر اندازی مقابله کند که تاریخ بشریت قدرت شبیه آنرا هرگز بخاطر ندارد. این مبارزه علیه امپریالیسم مسلح و ضد انقلاب سفید و زرد جنایتکار نیست که بتوان آنها را شکار کرد و نابود ساخت، علیه طبقات حاکمه نیست که براحتی بتوان آنها را بر انداخت و از سوراخهای خویش بیرون کشید و سرکوب کرد. این نیروی عظیم، مداوم، قدرتمند و عقب مانده که لحظه به لحظه انقلاب را تهدید میکند و در هر لانه و آشپانه ای مسکن میکند و کرده است نیروی جهمی و هولناک عادت مردم، نیروی سنت و خرافات دنیای کهن، نیروی تبلی و کاهلی، مرد رندی و زرنگی، بی انضباطی، نیروی که در تک تک انسانها حتی در میان دوستان انقلاب اکتبر در اثر تکامل تاریخی بشریت لانه کرده است، میباشد. این نیرو در میان مردم است در مردمی محصول قرنها جامعه بهره کشی انسان از انسان بوده اند، مردمی که به آنها آموخته اند که باید گرگ یکدیگر باشند. این نیرو که در ضمیر ناخودآگاه جامعه موجود است زمینه رشد ضد انقلاب و نارضائی را فراهم میکند. انقلاب اکتبر باید روحیه فردگرایی را به جمع گرایی تبدیل کند، اساس تفکر انسان را که تا کنون بر شالوده نظام سرمایه داری شکل میگرفت دگرگون سازد. چه بسیار بلشویکها و رفقای فدائاری که در این عرصه پیکار از پای می افتند و قادر نیستند که این مبارزه را به پایان برسانند. در اینجا ما با بخش سخت تر مبارزه طبقاتی روبرو میشویم. مبارزه طبقاتی در طی ساختمان سوسیالیسم، مبارزه طبقاتی برای حفظ دیکتاتوری پرولتاریا.

بلشویکها باید این کار عظیم بشری را به انجام میرسانند و آنهم در محاصره دریائی از دشمنان رنگانگ و نفوذ افکار خرده بورژوائی و بورژوائی در جامعه ای نه چندان پیشرفته. فقط کسانی که مبارزه نکرده اند و هرگز دستی بر آتش نداشته اند میتوانند دشمنانه، بی مسئولیت و بی خبرانه در مورد چنین کار عظیمی زبان به بدگویی بکشایند.

ارتجاع بین المللی با تمام توان خود به بلشویکها حمله میکند و در کارشان خرابکاری مینماید، گردبادهای تبلیغاتی مسموم فضای فعالیت آنها را در جهان مسموم میکند. جنایتی نیست که امپریالیستها به آنها منتسب نکنند و اسناد تقلبیش را نسانند و توزیع نگردانند. بزرگترین جنگ تاریخ بشری در همه عرصه ها بیرحمانه آغاز میشود. تحریف تاریخ، جعل واقعیات، دروغ نگاری بعنوان تاریخ واقعی از استعدادهای امپریالیستهاست.

انقلاب اکتبر باید به این مسایل پاسخ میگفت. پرولتاریای قهرمان روسیه این وظیفه تاریخ بشری را برای رهائی همه بشریت بعهده گرفت و در راه تغییر این جهان همت گماشت، بدون آنکه چشمداشتی به اهداف زودرس و پیروزی سریع بشریت داشته باشد. بلشویکها برای آینده، آینده ای که خود هرگز آنرا نخواهند دید، برای نسلهای بعدی فدائاری میکردند و پرورش چنین انسانهای شریفی محصول انقلاب اکتبر و رهبری حزب کمونیست بلشویک شوروی بود. آنها کمونیست بودند یعنی انسانهایی که از سرشت ویژه اند. چنین انسانهای

آرمانخواهی خود بخود... ادامه در صفحه ۷

بخشی از استثمار کنندگان مشترکا علیه بخش ارتجاعی تر استثمار کنندگان می رزمیدند و به این جهت زمینه انتقال قدرت و شدت سرکوب ارتجاع کهنه تر به مراتب قابل دسترسی تر بود. انقلابات نوع گذشته به دورانهای تاریخی پایان دادند و تحولات عمیقی را در دوران امپریالیسم در دستور کار نوع انقلابات ترانزویون قرار دادند. طبقه کارگر هنوز در متن این دوران زندگی و مبارزه میکند.

انقلاب اکتبر به دژی یورش برده بود که تا دیروز تسخیر ناپذیر به نظر می آمد.

انقلاب اکتبر میخواست دست همه استثمارگران را قطع کند و فقط کسی حق خوردن داشته باشد که کار کند بر این اساس که بیکاران طفیلی حق حیات زانو وار ندارند.

انقلاب اکتبر می خواست بهره کشی انسان از انسان را از میان بردارد، که برداشت می خواست تاریخ را طور دیگری بنویسد که نوشت. عظمت آن در بی سابقه بودن این اقدام دلاورانه تاریخی بود.

انقلاب اکتبر میخواست یک سحر طبقاتی را در هم شکند و شکست.

میخواست تابو و حرمت مقدس مالکیت خصوصی را بشکند، که موفق شد.

میخواست به هراس این پندار که گویا با انقلاب اکتبر جهان به پایان میرسد و دنیا زیر و رو میشود پایان دهد که پایان داد.

انقلاب اکتبر میخواست اکثریت ستمدیدگان را در روسیه و جهان بر ضد یک نظام، بر ضد یک دژ تسخیر ناپذیر و جادویی متحد کند، که متحد کرد.

میخواست کاری کند کارستان که تا به آن روز عقل بشر به بلندی عظمت دیوارهای آن نیز قد نمیداد و کاری کارستان کرد.

انقلاب اکتبر میخواست ترس معنوی مردم را که گویی مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را

نمیتوان از میان برداشت بریزاند و نشان دهد تولید بدون استثمار و به شیوه برادارانه نیز مقدور است. انقلاب اکتبر در عین حال انقلابی در اندیشه ها بود در این بود که ما میدانیم و ایمان عمیق داریم که انسان تراز نوین را میتوان ساخت و باید چنین انسانهایی را ساخت و در راه آن تلاش کرد.

میلیونها نفر از این انسانها در جنگ کبیر میهنی جان خویش را برای نجات بشریت از دست عفریت سرمایه داری نازیسم و فاشیسم از دست دادند و میلیونها نفر از آنها زندگی خویش را در خدمت جامعه برای آسایش نسل آینده و ساختمان کمونیسم بدون چشمداشت فدا کردند. توسل به

بربریت که شیوه متداول و شناخته شده سرمایه داری است، لولیدین در کتافات خود است و هرگز با انسانیت سرموئی خویشاوندی ندارد. ماهیت نظام سرمایه داری ضد بشری و عامل اساسی نقض حقوق بشر و توهین به حیثیت انسانی است و کمونیستها برای جراحی این دمل چرکین ضد بشری به میدان آمدند.

قبل از انقلاب اکتبر اندیشمندان بورژوازی تبلیغ میکردند که شیوه تولیدی که مناسبات حاکم بر آن متکی بر مالکیت خصوصی نباشد هرگز نمیتواند متحقق شود. آنها شیوه تولید سوسیالیستی را تخیلی و توهم مستی خیالپرداز جلوه میدادند. "مال من"، "مالکیت من"، بزرگ نوشته میشد و انگیزه طبیعی تولید تلقی میگردد. بلشویکها را این اندیشمندان بورژوا مستی خیالیاف و مالیخولیائی توصیف میکردند که بدون نمونه تاریخی

چرا باید انقلاب اکتبر...

تمایل دارند که این دستاوردهای گذشته را زنده کنند و مسلما در این راه در کنار ما خواهند بود.

## اهمیت تاریخی انقلاب کبیر اکتبر

نمیخواهیم در مورد انقلاب اکتبر همان شیوه ای را در تجلیش در پیش بگیریم که بگوش هر شنونده ای که تا حدودی با مسایل سیاسی آشنا ست تکراری جلوه کند.

انقلاب اکتبر انقلاب کبیری است. انقلاب بورژوازی فرانسه نیز انقلاب کبیری بود. هم انقلاب فرانسه و هم انقلاب اکتبر چهره جهان را تغییر دادند. جهان بعد از این انقلابها جهان قبل از آن نبود.

هم در انقلاب بورژوازی فرانسه و هم در انقلاب اکتبر دشمنان انقلاب بر ضد انقلاب مبارزه کردند و موقتا به پیروزیهایی نیز دست پیدا کردند ولی هرگز نتوانستند و نمیتوانند چهره

جهان را به همان صورت زشت گذشته ترسیم کنند. دیگر امکان ندارد شیوه ارتجاعی تولید فئودالی که عمرش از نظر تاریخی به پایان رسیده بود مجددا بجای شیوه تولید سرمایه داری مستقر ساخت. چرخ جهان را دیگر نمیتوان به

عقب برگردانید. انقلاب بورژوازی به تسلط فئودالها، سلطنت طلبان و کلیسای کاتولیک پایان داد و برای انسانها حقوقی قابل شد که مذهب،

پیش از آن، آنها را نفی میکرد. بشر از نظر مذهبی انسان مسلوب الاراده ای بود که باید گوسفند وار دنباله رو خدام کلیسا روان میبود. حقوقی که انسانها بدان دست یافتند و به عنوان

انسان در مرکز توجه و محور جهان قرار گرفتند بهیچوجه مجموعا برای مدت طولانی قابل حذف و نابودی نیستند و نخواهند بود اگر

چه میتوان در پستی و بلندیهای مبارزه اجتماعی با سرکوبی موقت آنها حساب کرد. این حقوق به مغزها رخنه کرده و بخش معنوی جدائی ناپذیر جامعه شده اند.

البته نیروهای ارتجاعی از کلیسا گرفته تا سلطنت و سرمایه داران بورس باز طفیلی، همه در بی آند که تاریخ را به عقب ببرند، از حقوق مردم بکاهند و برده داری مدرن را مستقر سازند. این مبارزه میان نیروهای کهنه و

نیروهای نو مضمون مبارزه بشریت را حتی تا به امروز تشکیل میدهد.

آنچه در مورد انقلاب کبیر بورژوازی فرانسه گفته شد به طریق اولی در مورد انقلاب کبیر اکتبر نیز صادق است، مضاعف بر اینکه ما با

یک انقلاب استثنائی در تاریخ بشریت روبرو شده ایم. تفاوت همه قیامها و انقلابهای قبل از انقلاب اکتبر نظیر قیام اسپارتاکوس علیه برده داران، جنگهای دهقانی در آلمان و اروپا علیه

فئودالها، قیام بوکاجف، انقلاب های بورژوازی در اروپا و یا حتی انقلاب مشروطیت ایران با انقلاب اکتبر در این است که در دگرگونیهای قبلی هدف هرگز حذف بهره کشی انسان از

انسان در میان نبوده است. این قیامها و یا انقلابها با این هدف صورت میگرفته که شکل مناسبات جدیدی را بجای مناسبات کهنه که آنهم متکی بر استثمار انسانها بوده است جایگزین کنند. در انقلابات گذشته استثمار شوندهگان و

# تبلیغات امپریالیستها محصول ماشین جعلیات آنهاست



## چرا باید انقلاب اکتبر...

از زمین زاده نمیشوند، حزب است که آنها را در دامان گرم خود پرورش میدهد. انقلاب اکتبر با گرمای خویش این ایده آل بشریت را جان بخشید و در میدان جهان به نمایش گذارد تا زحمتکشان با دیدنشان شاد شوند و بهره کشان از درخشش خورشید پیروزی بشریت کور شوند. آنها به قانونمندی مبارزه طبقاتی پاسخ گفتند و از قیل نیز مدعی نبودند که در این مبارزه طبقاتی با قطعیت پیروز میشوند. در هیچ مبارزه اجتماعی نمیتوان از قیل پیشگویی کرد که ما حتما در این عرصه پیروز خواهیم شد. هیچ انقلابی را نمیشود با شرط چاقو شروع کرد. آنچه ما با قطعیت میتوانیم بر آن تکیه کنیم پیروزی علم بر مذهب، پیروزی نو بر کهنه و پیروزی محتوم کمونیستها از نظر تاریخی است و نه از نظر پیکار در عرصه های مشخص و گوناگون نبرد طبقاتی.

در روسیه بلشویکها کوشیدند که این جامعه نوین را بسازند. تا کسی به اهمیت و عظمت کاری که صورت گرفته است پی نبرد، تا کسی نتواند قدرت تخریب و تجسم خود را به ۱۹۱۷ برساند و شرایط آنروز را در مبارزه در نظر گیرد، تا کسی پیدا نشود که معیار ماتریالیسم تاریخی را برای ارزیابی علمی مورد استفاده قرار دهد آن کس قادر به هیچ ارزیابی علمی و منطقی و بدور از ذهنی گرائی نخواهد بود. در متن تلاش برای بزرگترین ساختمان تاریخ بشری است که میتوان کمبودها، کسریها، اشتباهات اجتناب پذیر و یا اجتناب ناپذیر بلشویکها را شناخت و بررسی کرد.

بیچاره کسانی هستند که با ناینانی به ارزیابی انقلاب اکتبر میروند. نمیفهمند که بشریت در حال بزرگترین تحول بشری است و در این راه مصون از خطا نیست. آنها که غرغز میکنند، به آتش زدن پاره ای اینبه و آثار آنها نه از طرف بلشویکها استناد میکنند و یا غارت کاخها را به میان میکنند، به نقض حقوق پاره ای افراد جداگانه بدون آنکه ادعاهای آنها را رسیدگی کنند، توسل میجویند که تو گوئی برای نخستین بار در سراسر تاریخ بشریت است که حیثیت افرادی لکه دار شده است و این جریحه دار شدن حیثیت افراد جداگانه را ناشی از انقلاب اکتبر جا می زنند، از اهمیت کار عظیمی که در شرف وقوع است غافلند. با دستکهای سفید نمیتوان انقلاب کرد. انقلاب مجلس مهمانی نیست و در آن حلا خیر نمیکند. کارگران و زحمتکشان که هیچ چیز جز زنجیرهای خویش را در این انقلاب از دست نمیدهند از تعمیق انقلاب باکی ندارند.

بخشی از خرده بورژواها ولی نتوانستند این عظمت کار را بفهمند و نتوانستند روندی را آغاز شده بود بدرستی تعقیب کنند و ارزیابی نمایند. این بخش از خرده بورژوازی از عظمت کاری که در شرف وقوع بود یکه خورد، شگفت زده شد و ترسید. زیرا به نیروی کارگران و توده ستمکش و رهبری حزب بلشویک ایمان نداشت. فریاد بر آورد که تسلیم شویم، مبارزه کار ما نیست، حق با بورژوازی است، ما کشور عقب مانده ایم، نیروهای مولده در جامعه ما رشد کافی نکرده است، کشور ما دهقانی است، پرولتاریای جهان نتوانسته به یاری ما بیاید، امپریالیستها ما

را خفه خواهند کرد، سطح دانش پرولتاریا ناچیز و کارگران بی تجربه اند، دشمنان در درون بعلت تجربه، حمایت جهانی، قدرت مالی و شناخت دستگاه دولتی و اداره امور کشور صدها بار از ما قویترند، وا مصیبتا!! فریادهای عجز و لابه خرده بورژواها حتی در درون حزب در کار پیروز انقلاب اخلاص میگرد. شعار قطعی تسلیم در مقابل ادامه انقلاب مطرح میشد.

انقلاب اکتبر جهان را تکان داد. تکانی که بندهای جامعه کهن را شکست. در فردای انقلاب اکتبر چهره جهان چهره دیروز آن نبود. حال به گواهی چهره های برجسته مشاهیر جهان در مورد انقلاب اکتبر بپردازیم. آنتالو فرانس میگفت: "من همیشه از لنین در شگفت بودم، ولی امروز من واقعا و از صمیم دل و جان خود یک بلشویک هستم".

رومن رولان اضافه میکرد:

"من برای شخصیت های بزرگ ارزشی ویژه قائلم و در برابر لنین احساس عجایی پر شور دارم. در اروپای قرن ما از او پر توان تری نمی بینم. وی با اراده خود در اقیانوس آشفته بشریت آنچنان شیاری عمیق زد، که اثرش در امواج، گم شدنی نیست. اکنون دیگر کشتی علیرغم همه توفانها با نیروی فراوان به سوی جهانی نوین میروند".

کورت توخولسکی می افزود:

"در زندگی لنین وفاداری به یک امر بزرگ بناگزیار با روش سازگار در قبال تمام کسانی که بخوانند بدان امر خلل وارد سازند، همراه است. برای آنکه وفاداریش را بستانیم، باید به ناسازگاریش بها بدهم. این نکته بر من آسانتر شد، وقتی دیدم، که لنین قادر بود به امر بزرگ خویش موافق نیازمندی های انسانهای زنده شکل بدهد. او انسانها را مانند امری که در راهش میرزمید دوست میداشت و بهمین سبب چنین با بزرگی عمل میکرد".

هاینریش مان اظهار میکرد:

"او مانند تاریخ منسجم و مانند عقل سلیم محکم بود... گورکی به ما گفت: کارگران در باره اش میگویند: بین انسانها او از همه شریفتر است".

هانری باربوس میگفت:

"لنین سراپا کردار، سند، گرایش و آهن بود. نکته دیگر چشمگیر آنست، که وی علیه تباه کنندگان نبرد طبقاتی سراپا نبردی بود پیگیر، کوبنده، که هرگز نمی گسست، هرگز فروکش نمیکرد".

آلبرت اینشتین ابراز می داشت:

"در سرمایه داری، تولید برای سود است و نه برای استفاده. تدارکی دیده نشده که تمام آنها که قادر و مایل به کار هستند بتوانند کار پیدا کنند، "ارتش بیکاران" باید همیشه وجود داشته باشد. کارگر در وحشت دائمی از دست دادن کارش است... پیشرفت در فن آوری به جای آنکه از دشواری کار بکاهد، غالبا به بیکاری می انجامد....

من اطمینان دارم که تنها یک راه برای از میان برداشتن این کژی های ریشه دار (منظور بحرانها و مصیبتهایی است که نظام سرمایه داری برای بشریت تولید کرده است-توفان) وجود دارد و آنهم برقراری یک اقتصاد سوسیالیستی است، همراه با نظام آموزشی که متمایل به هدفهای اجتماعی باشد. در چینی اقتصادی، که تولید را بر اساس نیازهای جامعه تنظیم میکند، کار را میان تمام آنان که قادر به انجامش باشند تقسیم میکند و برای همه امکان معیشت را مهیا میسازد. نظام آموزشی، همراه با رشد توانیهای درونی هر فرد، میکوشد که در او

احساس مسئولیت نسبت به همنوعش را جایگزین تجلیل از قدرت و موفقیت (که در جامعه کنونی شاهدش هستیم) کند. با وجود این، باید بخاطر داشت که صرف اقتصاد برنامه ریزی شده سوسیالیسم نیست. چنین اقتصادی میتواند با بردگی هم همراه باشد. دستیابی به سوسیالیسم نیازمند حل چندین معضل بسیار دشوار سیاسی-اجتماعی است".

این نقل قولها را میتوان با بیانات چارلی چاپلین، هوارد فاست، جک لندن، برتولت برشت و نظایر آنها ادامه داد و کامل کرد.

## تأثیرات انقلاب اکتبر و حقوق انسانها

انقلاب اکتبر به طبقه کارگر و خلقهای جهان راه رهائی خویش را نشان داد. انقلاب اکتبر به آنها دورنما داد تا در این جهت مبارزه کنند. انقلاب کبیر روسیه انقلاب کبیر اکتبر چین را به رهبری حزب کمونیست چین بنیال داشت که نیم میلیارد انسان سرکوب شده را آزاد ساخت. نمایندگان ارتجاع سیاه چین و نوکران امپریالیستها و ارتجاع فرار کردند و با غضب سرزمین چین در منطقه فرمز پایگاهی برای تجاوز امپریالیستها ساختند. این آزادی تحقق حقوق بشر و آرمانهای انسانی بود که به پیشرفت چین منجر شد. با طرح حقوق ملل و انتخاب آزاد سرنوشت خویش کمر ارتجاع جهانی و استعمار را شکست و به مردم جهان اهمیت حیثیت و احترام به انسان را نشان داد. همین استعمار گران "دموکرات" بودند که با "تهادینه" شدن دموکراسی در ممالک خویش به اقصی نقاط جهان سرباز فرستاده و انسانها را قتل عام کرده، حقوقشان را پایمال نموده و منابع اولیه آنها را غارت کرده و از نیروی کار آنها استفاده مینمودند و خط کش بدست، افریقا و آسیا و آمریکای لاتین را میان خود تقسیم میکردند و در جامعه ملل بر سر این تقسیم و سهمشان از این غنایم بیشرمانه و آشکارا به نزاع میپرداختند. قرار دادهای تقسیم ایران میان امپریالیست انگلستان و روسیه تزاری را به خاطر آوردید تا وضعیت آن روز جهان برایتان روشن گردد. آنوقت که است که معلوم میشود انقلاب اکتبر تضمین استقلال ایران بود. پس از انقلاب اکتبر دیگر ممکن نبود که امپریالیستها بتوانند با همان تاکتیک کهنه فعالیت کنند. دنیای فرتوت استعمار در هم شکست و کار بیداری ملل و خلقها و دول جهان آغاز شد. تکان انقلاب اکتبر به خواب قرون وسطایی بشریت پایان داد. حال استعمار در پی استفاده از تاکتیکهای نوین برآمد.

انقلاب اکتبر نشان داد که در دوران امپریالیسم میتوان انقلاب را در کشور واحد به انجام رسانید و آنرا به سکوی پرشی برای آزادی بشریت مبدل ساخت. تأثیرات این انقلاب جهانشمول بود. آری باید این تحول را درک و هضم کرد و آنوقت است که متوجه خواهیم شد که به چه علت از "چپی" و راست به انقلاب اکتبر به این بزرگترین دستاورد بشریت متمدن بورش میآورند و در پی بی اعتبار کردن آن هستند. آنها از اعتبار این انقلاب ضربات سختی خورده اند.

انقلاب اکتبر برای نخستین بار حقوقی را طرح و اجراء کرد که سرمایه داری هنوز که هنوز است قادر نیست قلم بطلان بر آنها بکشد.

قانون هشت ساعت کار روزانه

تساوی کامل حقوق زن و مرد

حق ملت‌های ستمدیده در کسب حقوق خویش

ملی کردن زمین و رهائی دهقانان از ستم مناسبات ارباب و رعیتی

... ادامه در صفحه ۸

## زنده باد مارکسیسم - لنینیسم

## چرا باید انقلاب اکتبر...

تأمینات اجتماعی از حق کار گرفته تا حق استراحت و بیمه های درمانی.

تأمین حقوق دموکراتیک

برای زحمتکشان که تاریخ تا به آن روز نظیرش را ندیده بود. حق اعتصاب و نمایشات و آزادی بیان و نوشتار برای اکثریت جامعه، تحصیلات رایگان برای فرزندان کارگران و دهقانان و ستمدیدگان جامعه، بهداشت رایگان، تقویت هنر و ... سوسیالیسم در تمام این عرصه های اجتماعی دنیای سرمایه داری را پشت سر گذاشت و ملاکهای مطرح کرد که برای جهان نمونه بود و سرمشق مبارزه همه ستمدیده گان جهان قرار گرفت. این مطالبات با مبارزه طبقه کارگر ممالک متروپل سرمایه داری تا حد زیادی در این ممالک که حقوق کارگران را پامال میکردند به تحقق در آمد. حال آسان است که از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن برای زنان سخن رود، حال آسان است که اول ماه مه را جشن گرفت، حال آسان است که ازدواج غیر مذهبی را برسمیت شناخت، حال آسان است که کار کودکان را ممنوع اعلام کرد، حال آسان است که از زندانها آموزشگاههای کار ساخت تا بتوان انسانها را مجدداً به محیط اجتماعی بازگردانید و مبنای جدیدی برای دستگاه دادگستری ایجاد کرد. حال آسان است از ورزش همگانی سخن گفت، حال آسان است که از کودکانها، مهد کودکیها مبارزه با بیسوادی سخن راند، حال آسان است که از قانون اعدام را لغو کرد، حال آسان است که از قانون پنهانگی سیاسی نام برد و به اروپا پناهانده شد و... ولی همه این آسانیه بدون پیروزی سوسیالیسم در روسیه و بدون انقلاب کبیر اکتبر، بدون تحقق این خواستها در شوروی لنینی استالینی مقدور نبود. این حقی است که بلشویکها و کمونیستها به گردن بشریت و از جمله مردم ایران دارند. آنها کیفیت زندگی انسانها را حتی بدون آنکه آنها واقعا خود به آن واقف باشند تغییر دادند.

در ممالک آسیایی روسیه تزاری تحصیل دختران اساساً از نظر مذهبی و خرافات حاکم ممنوع بود. آخوندها و روحانیون به جان و مال و ناموس مردم مسلط بودند. آنها دکتر زن را به خواب هم نمیدیدند. اختاپوس مذهبی سرپای جامعه عقب مانده آسیایی را در بر گرفته بود. انقلاب اکتبر به لایروبی این طویله اوژیاس پرداخت و انسانها را به حقوق خویش واقف گردانید. انقلاب اکتبر بود که با روحیه پدر سالاری و سرکوب حقوق کودکان و زنان به مبارزه پرداخت و موجب شد که هزاران بلشویک فداکار و داوطلب برای آموزش و تربیت به این مناطق گسیل شوند.

هستند پاره ای فریب خوردگان ایرانی در ممالک سرمایه داری که تصور میکنند برخورداری آنها از پاره ای حقوق و امتیازات ناشی از ماهیت این جوامع است که نام "جامعه باز" را به آن نهاده اند و این حقوق و امتیازات از همان روز نخست با تولد سرمایه داری زائیده شده است. بنظر آنها "حقوق بشر" و "دموکراسی" از محسنات این نوع جوامع است. آنها این امتیازات را صدقه سر سرمایه داری به کارگران مینگرند. آنها از "تهادینه شدن دموکراسی" در این ممالک سخن میگویند ولی این انسانهای نزدیک بین و خود فریب که به مرحله عوامفریبی رسیده اند توجه

ندارند که آنها هنوز که هنوز است از گرمای درخشان خورشید انقلاب اکتر تمتع میجویند و در پرتو آن آسایش نسبی کنونی خویش را دارند. آنها توجه ندارند که این حقوق و امتیازات دستاورد مبارزات نیروهای مترقی و در درجه اول طبقه کارگر این ممالک است. حق انتخاب کردن و انتخاب شدن حتی برای مردها را جنبش کارگری چارتیسم در انگلستان به زور از طبقه حاکمه انگلیس گرفت. انتخابات "آزاد" حق پولدارها بود و بی پولها حق دادن رای و انتخاب نماینده نداشتند. بورژوازی با این تاکتیک قدرت خویش را تثبیت میکرد و اغنیاء بمنزله "تأمینندگان اکثریت"، "تأمینندگان ملت" در مجالس سخن میگفتند و عرض اندام میکردند. انقلاب اکتر به این روند ریاکارانه باصطلاح انتخابات آزاد در ممالک سرمایه داری متروپل پایان داد. به همه زحمتکشان شوروی حق رای داد. برای نخستین بار در تاریخ این امکان را بوجود آمده بود که کارگران انتخاب شوند و حقوق خودشان را تثبیت کنند. این دستاورد به جنبش کارگری در سراسر جهان نمونه درخشانی از انسانیت و ترقی و پیشرفت عرصه میکرد که بورژوازی را به لرزه انداخته بود و دست نظام سرمایه داری را در سرکوب آشکار کارگران تا حدودی می بست. حال که دشمن امپریالیستی در همدستی با دشمن رویزیونیستی خون بلشویکها را جاری ساخته و کشور شوراها را نابود نموده است در پی آن است که تمام دستاوردهای طبقه کارگر را از آنها باز پس بگیرد. تحصیلات رایگان منقذی میشود و از این پس هر کس پول دارد حق تحصیل دارد. بی سوادی رایج خواهد شد، ورزش از صورت همگانی بدر آمده و به ورزش پولدارها و ورزش بی پولها بدل میشود. اساس نظام ورزشی یک نظام تبلیغاتی و سود آور سرمایه داری در خدمت جامعه مصرفی خواهد شد و ورزشکاران نیز بر این اساس مورد ارزیابی قرار میگیرند. مهم تواناییهای جسمی و معنوی یک ورزشکار نیست، مهم امکانات کسب حد اکثر سود از طریق تبلیغاتی از آنهاست. ورزش به کالا بدل میشود و حیثیت انسانی در مجموع خود لگد مال میگردد بدون آنکه توجه کسی را جلب کند، بدون آنکه نقض حیثیت انسانی در قوانین اساسی سرمایه داری که بر روی کاغذ است جریحه دار شود. بدون آنکه از نقض حقوق بشر سخن رود. بشری که با بندهای نامرئی اقتصادی به اسارت در آید و برده جبر اقتصادی باشد حقوقی ندارد که بشود آنرا نقض کرد. سرمایه چون خوره انسانیت را بی محتوا میکند.

کارگران را دسته دسته اخراج میکنند تا حاضر باشند با ساعت کار بیشتر و حقوق کمتر کار کنند این شانناژ اقتصادی را خدمت به کارگران و پایان دادن به سابقه کار آنها بنحو اجتماعی و رفاهی جلوه میدهند. کسی نیست از این روشنفکران بورژوا که به صدا در آید و به جریحه دار شدن حیثیت این انسانها که به اعماق جامعه میغلزند معترض شود. توگویی فقط بورژواها "حیثیت" دارند و از "حقوق بشر" برخوردارند. کارگران خودی و کارگران ملل غیر خودی را بر ضد یکدیگر میبوراند و تحریک میکنند و در پی تربیت انسان گرگ انسان هستند و همه این اعمال شنیع را در زیر پرچم حمایت از "حقوق بشر" جلوه میدهند. حقوق بازنشستگی را بر میچینند. تا جوانی و کار میکنی حق حیات داری در غیر اینصورت باید زودتر زحمت را کم کنی تا به سرمایه داری و دولت وی خسارتی وارد نشود.

دولتهای رفاه سابق به کارگران رسمی سرمایه بدل میشوند و مواظب خواهند بود که مردم بصورت سربزیر تولید کنند و بر ثروت سرمایه دارها بیفزایند. این عوامفریبی تحت نام "ما باید قدرت رقابتی" خویش را حفظ کنیم صورت میگیرد. برای این منظور بیمه های درمانی را گران کرده از حجم خدمات آن میکاهند تا فقط اغنیا حق حیات داشته باشند و فقرا سر موقع دار فانی را وداع گویند. یک لحظه به پیامدهای جهانی شدن سرمایه توجه کنید، این امر، در واقع جهانی شدن بی حقوقی کارگران است. جهانی شدن سرکوب خواستهای دموکراتیک و کنترل بی سابقه مردم است، جهانی شدن انحصاری ماشینهای ساخت افکار عمومی و تحمیل مردم است، جهانی شدن استعمار و پیامدهای آن است.

هر چه سنتهای انقلاب اکتر فراموش شود، هر چه از گرمای نخستین آن کاسته شود بشریت یک قدم به بربریت سرمایه داری مطلق نزدیکتر میشود. پس گرامیداشت انقلاب اکتر صرفاً یک اقدام مربوط به گذشته گان نیست، مربوط به آیندگان است. مربوط به وضعیت فعلی ماست.

## دستاوردهای انقلاب اکتر

لنین میگفت: "تهضت کارگری زن، خود را با یک برابری ظاهری دلخوش نمی نماید، بلکه وظیفه اساسی خود را در این می بیند که برای بدست آوردن برابری اقتصادی و اجتماعی زن مبارزه نماید. شرکت دادن زن در کار پر ثمر اجتماعی، رها ساختن او از "بندگی خانگی"، آزاد کردن او از یوغ خرف کننده و تحقیر کننده ابدی و انحصاری آشپزخانه و اتاق بچه... این است وظیفه اساسی. این مبارزه طولانی خواهد بود و نیازمند به یک تغییر اساسی در تکنیک، اجتماع و آداب است، اما با پیروزی کامل کمونیسم پایان خواهد یافت" (لنین، در باره روز بین المللی زنان کارگر، مارس ۱۹۲۰).

به حقوق زنان توجه کنیم و همین آلمان فدرال را که یکی از دموکراتیک ترین جمهوریهای بورژوائی و بهشت روشنفکران "چپ" و داده ایرانی است در نظر بگیریم. زنان در آلمان برای نخستین بار در سال ۱۹۱۸ یعنی درست یکسال پس از انقلاب کبیر اکتبر دارای حق رای شدند و این در حالی بود که کتاب مشهور آگوست بیل در مورد سوسیالیسم و زن در سال ۱۸۷۹ در آلمان منتشر شده بود.

در سال ۱۹۲۲ برای نخستین بار به زنان اجازه داده شد که لباس قضاوت به تن کنند و حق قضاوت داشته باشند.

در سال ۱۹۲۳ برای نخستین بار قانون دستمزد برای کار خانگی زنان به تصویب رسید.

در سال ۱۹۲۷ قانون حمایت از مادران در دوران بارداری برسمیت شناخته شد.

برای نخستین بار پس از پیروزی شوروی در جنگ میهنی ضد فاشیستی در سال ۱۹۴۹ تساوی حقوق زن و مرد در آلمان بعنوان یک حق طبیعی برسمیت شناخته شد و بعنوان حقوق مدنی در سال ۱۹۵۷ تصویب و اجراء شد.

در سال ۱۹۷۷ اصلاحات در عرصه قوانین ازدواج و حقوق خانواده به تصویب رسید.

در سال ۱۹۷۹ مرخصی دوران بارداری برسمیت شناخته شد.

در سال ۱۹۸۰ قانون رفتار برابر با زنان و مردان در محل کار برای ... ادامه در صفحه ۹

## جنایات رهبران صهیونیسم در فلسطین جنایت علیه بشریت است



## چرا باید انقلاب اکتبر...

نخستین بار بر روی کاغذ تصویب شد. در ایالات متحده آمریکا تلاش دولت مرکزی در سال ۱۹۷۶ در زیر فشار افکار عمومی تا قانون تساوی حقوق زنان با مردان در برابر کار مساوی را به تصویب برساند با شکست روبرو شد.

در حالیکه در شوروی لنین و استالین آینده روشن زنان را ترسیم میکردند امپریالیستها تبلیغ میکردند که بلشویکها بچه ها را از مادرشان پس از تولد جدا میکنند و دولت صاحب بچه میشود، و یا آنکه بلشویکها خانواده را برهم میریزند و مردم را برای غذا خوری به صف کرده به آشپزخانه های عمومی میبرند. این تبلیغات شاید امروز مسخره جلوه کند آنهم در ممالک سرمایه داری که خودشان در همه جا "کانتینه" یا آتینزخانه عمومی بوجود آورده و از اهمیت مهد کودک و کار زنان در بیرون از خانه صحبت میکنند. ریاکاری سرمایه داری در همین عدم صمیمیت و دروغگوئی آن است. در شوروی لنینی استالینی به این رهنمود بلشویکها پاسخ گفتند.

در شوروی بود که در مهد کودکیها و کودکتانها با تغذیه رایگان زمینه مادی این مهم را برای تحقق واقعیش فراهم آوردند که زنان و مادران بدون دغدغه امکان کار و شرکت در تولید را داشته باشند. شرکت در تولید سرآغاز آزادی زن است. برای نخستین بار بود که مادر بودن مانع شرکت در زندگی تولیدی و اجتماعی نبود، برای نخستین بار بود که مادر بودن و تولید مثل مانع تکامل زن تلقی نمیشد و آزادی واقعی زن و نه فقط بر صفحه کاغذ بصورت صوری بورژوازی بلکه بصورت واقعی و مادی بوجود آمده بود. در شوروی بود که با ارتقاء فرهنگ جامعه، جامعه انسانی وظیفه مادری فرزندان را شخصا بعهده گرفت.

عده ای با تکیه به روحیه مردسالاری و پس مانده های فرهنگ و سنت عقب مانده دوران سرمایه داری در شوروی بهانه تراشی میکنند که گویا تساوی حقوق زن و مرد در شوروی و سوسیالیسم نیز عملی نبوده است و لذا باید از مبارزه بی جهت طبقاتی چشم پوشید و زنان را بر علیه مردان تحریک کرد و مبارزه برای آزادی زن را جدا از مبارزه طبقاتی به پیش برد. در شوروی هنوز کار فراوانی قبل از بروز رویزیونیسم در پیش بود، باید کثافت قرنها جامعه طبقاتی و بهره کشانه را میروبیند. مبارزه با فرهنگ عقب مانده اجتماعی، با نیروی عادت مردم کاری نیست و نبود که بتوان یکشنبه به آن پیروز شد. بلشویکها شرایط مادی این تحولات را از نظر تاریخی فراهم آوردند و برای غلبه بر این فرهنگ عقب مانده قرون به سالها مبارزه طبقاتی در عرصه فرهنگی نیاز است. این بلشویکها بودند که جهت درست را نشان دادند و راه نجات بشریت را ترسیم کردند.

آنچه را که سرمایه داری پیشرفته آلمان حدود ۶۰ سال بعد به تصویب رسانید بلشویکها از همان فردای انقلاب اکتبر برای تحقق اقدام کردند و برسمیت شناختند.

پس از انقلاب اکتبر که کار ساختمان سوسیالیسم با فداکاری میلیونها انسان زحمتکش شروع شد، مردم جهان شگفت زده شده و چشم به کشوری داشتند که آینده امروز آنها بود. بسیاری برای درک این رویداد عظیم تاریخی به شوروی سفر کردند. در میان آنها بودند خرده گیرانی که مغزشان قادر نبود

عظمت کاری را که صورت گرفته بود درک کند. ولی بسیاری ترسیم این شیار عمیق را در جامعه بشری دیدند و شگفت زده به ستایش آن پرداختند. سوسیالیسم را نمیشد بر کرده بی سوادان بنا نهاد. اقتصاد سوسیالیستی و جامعه سوسیالیستی یک جامعه آگاهانه است. اقتصادش با برنامه و آگاهانه صورت میگیرد. پس باید به بی سوادی پایان میدادند. این بلشویکها بودند که از بی سوادی مردم برخلاف ارتجاع حاکم گذشته هراسی نداشتند و با بیسوادی پیکار میکردند.

مبارزه با بیسوادی در سال ۱۹۳۲ یعنی ۱۵ سال بعد از انقلاب به پایان رسید. ۷۲ درصد مردم روسیه در زمان سلطنت تزار بیسواد بودند. از هر ۵ کودک ۴ کودک امکان راه یابی به مدرسه را نداشتند. در آن زمان در تاجیکستان ۹۹/۶ درصد، در قرقیزستان ۹۹/۷ درصد، در ازبکستان ۹۹/۷ درصد، در ارمنستان ۹۹/۸ درصد، در قزاقستان ۹۹/۹ درصد، در گرجستان ۹۹/۹ درصد، در آذربایجان ۹۹/۶ درصد و در ترکمنستان ۹۹/۷ درصد مردم از نعمت خواندن و نوشتن محروم بودند. سوسیالیسم را نمیشد بر کرده بیسوادان و حاملین خرافات قرون استوار ساخت. باید سطح فرهنگ عمومی را ارتقاء میدادند، باید هرکس توانائی خواندن و نوشتن می یافت. در ۱۹۳۲ شوروی تنها کشوری در جهان بود که در آن بیسواد یافت نمیشد. سوسیالیسم در مبارزه بر ضد دیو بیسوادی پیروز شده بود و این در حالی بود که بیسوادی در جهان سرمایه داری غوغا میکرد و غوغا میکند. این عظمت کار ساختمان سوسیالیسم را نشان میدهد.

کافیست به عظمت این تحولی که صورت گرفته است قدری اندیشید تا درک کرد چه نیروئی، چه اراده ای چه فداکاری عظیمی در سایه آن نهفته است. باید هزاران نفر بلشویکهای با سواد با کار داوطلبانه در عقب مانده ترین بخشهای شوروی به کار شبانه روزی مشغول شده باشند تا توانسته باشند با توجه به خرابیهای جنگ و خرابکاری ضد انقلاب به این امر مهم دست یابند. چنین فداکاری فقط از بلشویکها تحت رهبری حزب کمونیست امکان دارد. فقط ایدئولوژی کمونیسم میتوانست چنین نیروی لایزالی در اختیار انسانها بگذارد.

حتی تا سالهای ۲۹ تا ۳۰ در سراسر جمهوریهای آسیای مرکزی در شوروی زنان مترقی و بلشویک را میکشند. تنها در ازبکستان در سال ۱۹۲۸، تعداد ۲۰۳ زن روشنفکر را کشتند. هنوز ۱۴ سال پس از انقلاب اکتبر زنان چادر بسر داشتند. تعدد زوجات رایج بود و خرید و فروش دختران در خفا صورت میگرفت. همین واقعیات نشان میدهد که کسب قدرت سیاسی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا تنها آغاز راه طولانی ای است که کمونیستها در پی دارند. در متن جامعه سوسیالیستی هنوز کثافات ریشه دار گذشته جامعه های عقب مانده امکان بقاء دارند. علیرغم تصویب قوانین سوسیالیستی در مورد مسئله زنان در عمل غلبه بر این مشکلات غلبه ناپذیر جلوه میکرد. سوسیالیسم باید این هیولای خرافات را در هم میشکست. و در زمان استالین آن را درهم شکستند و بشدت با آن با موفقیت مبارزه کردند. سوسیالیسم ۴۰۰ هزار زن دانشمند تربیت کرد. حتی در دوران رویزیونیستها که بر شوروی حاکم شدند هنوز به پاس مبارزه قهرمانان بلشویکها نسبت با سوادان در قیاس با ممالک سرمایه داری بیشتر بود. ولی هم اکنون بی سوادی در روسیه امپریالیستی با شتابی سرمایه

دارانه رو به رشد است. فقط کافیست به عظمت این کار خیره شد. به نیروئی که بکار رفته است و بدرجه فداکاری بلشویکها نگاه کرد. تا به برتری و درخشندگی سوسیالیسم پی برد. در فاصله سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۰ دهها هزار دبستان و دبیرستان، آموزشگاه، مراکز پیکار با بیسوادی، کلاسهای فنی و حرفه ای، مدارس عالی و نیمه عالی، دانشگاهها، کتابخانه ها، تاسیسات علمی، کانونهای آموزشی و... ساخته شد. دانشگاهها رایگان شد و تحصیل بصورت همگانی و توده ای در آمد و فرزندان زحمتکشان قادر شدند استعدادهای سرکوب شده خویش را بروز دهند. قانون تعلیمات اجباری به تصویب رسید و تعداد دانشجویان و دانش آموزان از ۹ میلیون در زمان تزار به ۲۷ میلیون نفر رسید. در زمان تزار تعداد آموزگاران و استادان دانشگاهها از ۲۰۰ هزار نفر تجاوز نمی کرد ولی این مقدار تا سال ۱۹۳۰ به ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر رسید. مدارس شوروی مدارس معمولی نبود، مدارس شوروی دارای سالنهای ورزشی، استخر، غذای رایگان، کتابخانه و سالن تئاتر و نمایش بودند، آموزگاران با جان و دل به دانش آموزان درس میدادند، این مدارس کانون واقعی دگرگونی کودکان بود که از بهره کشی فکری نسل عقب مانده گذشته نیز رها میشدند. در آنجا تلاش میکردید که انسانها تراز نوین ساخته شوند، مذهب از مدارس برچیده شده بود، تاریخ پردازی دروغ بورژوازی را با تاریخ واقعی مبارزه طبقاتی جایگزین کردند، کار تحقیقاتی عظیمی در شوروی و نه تنها برای شوروی بلکه برای همه جهان سر گرفته شد. خواب این تحول را کسی در ممالک سرمایه داری نیز نمیبید. این در حالی بود که سرمایه داری دوران سیاهی را میگذرانید، بیکاری در جهان سرمایه داری غوغا میکرد، بورس نیویورک در هم شکسته شده بود و بورس بازان خویش را از برجها و پنجره ها داوطلبانه به بیرون پرتاب میکردند. از همان سال ۱۹۲۴ دانشمندان شوروی سنگهای پیروزیهای فضائی شوروی را که با پرواز یوری گاگارین در فضا به اوج خود رسید پی ریزی کردند. رویزیونیستها هنوز از دمای دستاوردهای دوران سوسیالیسم چهره های خویش را گرم نگاه میدارند. از همان فردای انقلاب اکتبر دانشمندان شوروی به ساختن نیروگاههای برق، سد سازی، راه سازی، ماشین سازی، کارخانجات شیمیائی و کود سازی، کارخانه های تسلیحاتی، زیر دریائی سازی، کشتی سازی، هواپیما سازی اقدام کردند. با سیاست مدبرانه و درست صنعتی کردن شوروی علیرغم اخلال خرابکاران در حزب و دولت حزب بلشویک شوروی به این دستاوردهای عظیم دست یافت و استقلال اقتصادی شوروی را تأمین کرد. همین استقلال اقتصادی بود که وی را قادر ساخت پوزه عفریت نازیسم را به خاک بمالد و بشریت را آزاد کند. این شورویها بودند که برای نخستین بار امکان فعالیتهای زنان را در همه عرصه های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و... مهیا ساختند و در جنگ ضد فاشیستی نازیها را شگفت زده کرده بودند که چگونه زنان شوروی قادرند به عنوان خلبانان هواپیماهای جنگی شکاری شوروی پیکار کنند. سه هنگ از بمب افکنهای شوروی همه زن بودند. این شورویهای کمونیست بودند که نخستین هواپیمای جت را ساختند، این شورویها بلشویک بودند که نخستین نیروگاه اتمی را برای مصارف... ادامه در صفحه ۱۰

## سازمانهای سلطنت طلب نوکران امپریالیست آمریکا هستند

علی یف، نظربایف و... بر باد دادند.

استالیانی و گامی در جهت وحدت بلشویکهای ایران است. راه دیگری برای رهائی بشریت از بربریت سرمایه داری موجود نیست. این است که کمونیستهای بلشویک باید بدون چشمداشت شخصی به انضباط حزبی تن در دهند و نیروی خویش را در خدمت رهائی طبقه کارگر که رهائی بشریت است قرار دهند. حزب ما در این راه گام بر میدارد و از هر رفیقی که با ما در این راه مشترک قدم بردارد استقبال میکنند. این تجربه ایست که ما کمونیستهای ایران باید از آن بیاموزیم. چه خوب است که در سال آینده کمونیستهای ایران جشن کبیر انقلاب اکتبر را با یکدیگر و بین المللی جشن بگیرند.

\*\*\*\*\*

## پیام کنگره حزب کار ایران (توفان) به دانشجویان و دانش آموزان!

### دانشجویان و دانش آموزان مبارز!

چندین دهه مبارزات دموکراتیک شما برای درخاستهای صنفی و سیاسی تجربیات گرانبها و پربراری را فراهم آورده است.

مبارزات شما در زمان رژیم پهلوی علیه استبداد و امپریالیسم با سرکوب بربرمنشانه نظام سلطنتی مواجه، و از روز ۱۶ آذر خون پاک دانشجویان به پرچم مبارزات برحق شما تبدیل گردید. در ادامه مبارزه، روزهای تاریخی بزرگی که نشان از آگاهی و دلیری و اتحاد شما با زحمتکشان ایران دارد بوجود آمدند که ۱۳ آبان، روز دانش آموزان آخرین نبود.

دردوران سپاه رژیم جمهوری اسلامی شما دانشجویان و دانش آموزان، استادان و معلمان به مبارزه خود ادامه داده و علیه استبداد و خفقان اسلامی صف آرایی کردید و به حق استبداد اسلامی و شاهی را در کنار یکدیگر قرار دادید و در روز تاریخی ۱۸ تیر، قیامی که رژیم اسلامی را تکان داد نیز برگ خونین دیگری به دفتر زرین مبارزات شما افزوده گردید.

شما دانشجویان مبارز در روز تاریخی ۱۶ آذر امسال نه تنها سخنان خاتمی را در دانشکده فنی تهران به ریشخند گرفتید و وی را مکررا هو کردید، بلکه با پرسشها و شعارهای کوبنده خود کل نظام جنایتکار جمهوری اسلامی را به محاکمه کشیدید. شعارهایی نظیر آزادی و عدالت اجتماعی بدون دخالت نیروهای خارجی و امپریالیستی و همینطور شعار اتحاد کارگران و زحمتکشان با دانشجویان..... نشان از آگاهی و دوراندیشی تان دارد که در ادامه خود در پیوند با طبقه کارگر به ثمر خواهد نشست.

دانشجویان و دانش آموزان مبارز!

هوشیار باشید، زیرا دشمن طبقاتی ما تنها با اسلحه سرکوب به جنگمان نمی آید. سلطنت طلبان، احزاب مشکوک و ضد انقلابی نظیر "حزب کمونیست کارگری"، اصلاح طلبان رنگارنگ و طرفداران رنگ باخته ولایت فقیه.... هر یک با امکانت قابل توجه ای که در اختیار دارند مذبحخانه میکوشند تا درصوف شما... ادامه در صفحه ۱۱

### چرا باید انقلاب اکتبر...

صلح آمیز و استفاده از نیروی هسته ای ساختند و نشان دادند که از نیروی اتم نباید برای نابودی هیروشیما و ناکازاکی استفاده کرد بلکه باید علم را در خدمت مردم بکار گرفت. این شورویهای کمونیست بودند که مغز میساختند در حالیکه امپریالیستها با پول و رشوه مغزها را میخربند و میخرند و مانند کالای وارداتی به آمریکا، کانادا و استرالیا وارد میکنند و به استعمار و استثمار مغزها مشغولند.

یکی از مصیبتهای ممالک تحت ستم این است که نیروهای کارآمد و تحصیل کرده آنها را امپریالیستها می خردند و چنین جلوه میدهند که این مهاجرتها بر اساس آزادی آمد و رفت و داوطلبانه صورت گرفته است و نباید جلوی آزادیهای فردی را گرفت. آنها ممانعت از این قاچاق مغز را نقض حقوق بشر جلوه میدهند. آنها از بودجه آموزشی خویش میزنند و بخش ناچیزی از آن را در خرید مغزهای ممالک زیر سلطه و نیازمند سرمایه گذاری میکنند. هم اکنون برای خرید مغزها میان اروپا و آمریکا و کانادا و استرالیا رقابت شدیدی در گرفته است. جهانی شدن سرمایه، جهانی شدن بازار فروش مغزها را بهمراه دارد. و این برای ممالک تحت سلطه فاجعه آمیز است. این است تفاوت میان سوسیالیسم و لیبرالیسم. میان حقوق بشر سوسیالیستی و حقوق بشر امپریالیستی، میان جمع گرایی و فرد گرایی، میان آزادی و اسارت.

برای اینکه به دستاوردهای اقتصادی مردم شوروی اشاره کنیم سیاهه ای از جنایات نازیها و امپریالیستها در نابودی سوسیالیسم در شوروی را منتشر میکنیم تا ببینید نازیها که سگ تازی امپریالیستها برای نابودی نخستین دیکتاتوری پرولتاریا در جهان بودند چقدر از دستاوردهای مردم شوروی را بر باد دادند. این تنها مثنی از خروار بود.

تعداد کشته شدگان بیست و پنج میلیون نفر. تعداد شهرها و شهرکهای که سوزانده و ویران و غارت شد ۱۷۱۰.

تعداد روستاهایی که ویران و غارت شد ۷۰ هزار. تعداد خانه های مسکونی که با خاک یکسان شد ۶ میلیون.

تعداد واحدهای صنعتی که درهم کوبیده شد ۳۱۸۵۰. تعداد راه آهنی که معدوم شد ۶۵ هزار کیلومتر. تعداد ایستگاههای راه آهنی که ویران شد ۴۱۰۰. تعداد مراکز پست و تلفن و تلگراف که از میان رفت ۳۶ هزار.

تعداد اسبهایی که به غارت رفت ۷ میلیون. تعداد گاوهای که از کلخوزها و سوخوزها و اهالی غارت شد ۱۷ میلیون. تعداد خوکهای که از کلخوزها و سوخوزها و اهالی غارت شد ۲۰ میلیون.

تعداد گوسفند و بزی که غارت شد ۲۷ میلیون. تعداد بیمارستانها و موسسات درمانی که ویران شد ۴۰ هزار.

تعداد مراکز آموزشی و موسسات پژوهشی که منهدم شد ۸۴ هزار.

تعداد کتابخانه هائی که نابود شد ۴۳ هزار و بسیاری خسارت بی شمار معنوی که به جامعه شوروی وارد گردید تا از پیروزی سوسیالیسم جلوگیری کنند. اینها تنها بخشی از دستاورد جامعه سوسیالیستی شوروی لنینی و استالیانی بود. بقیه دستاوردهای این جامعه را که نازیها نتوانستند از بین ببرند خروشچف و پیروانش نظیر برژنف، کاسیکین، گورباچف، یلتسین و پوتین،

### وضعیت فعلی

امروز سرمایه با نیروی لجام گسیخته مرزهای جغرافیای را در میورد و در پی کسب بازار فروش کالا های خویش، کشف دستمزد ناچیز در بازارهای کار، دستیابی به مواد اولیه برای تولید و سرمایه گذاری برای کسب سود حداکثر است. بر سر غارت جهان جنگی سخت و بیرحمانه میان امپریالیستها و دسته بندیهای گوناگونی امپریالیستی و ارتجاعی در گرفته است. گرچه این جنگ هنوز در عرصه اقتصادی است، گرچه که این جنگ هنوز شکل محلی بخود دارد ولی با سرعت تحول امروزه، وضع طوری خواهد شد که امپریالیستها باید سرانجام با زبان زور با هم سخن گویند. اینکه این دسته بندیها در پی یار جمع کردن در عرصه جهانی و افزایش قدرت تسلیحاتی خود هستند گواه این تحلیل است. امپریالیستها در پی تدارک جنگند، در پی پایش منابع انرژی در عرصه جهان. یا انقلاب جلوی آنها را خواهد گرفت و یا بشریت به مگاک جنگ پرتاب میشود. امپریالیستها شرایط سالهای ۱۹۱۷ را به ما تحمیل میکنند. مانیز باید با تکیه بر حزب و حزبیت، با تکیه بر مارکسیسم لنینیسم شرایط انقلاب سوسیالیستی را به آنها تحمیل کنیم.

از جانب دیگر طبقه کارگر و ملت های جهان هرگز سلطه امپریالیستها را برای مدت طولانی نخواهند پذیرفت. طبقه کارگر و ملت ها دوران مدیدی را در پرتو اتوار گرمابخش انقلاب اکتبر آزموده و تجربه آسایش نسبی این دوران را بخاطر میآورند و این است که به مبارزه سرسختانه ای برای رهائی خویش دست خواهند زد. این مبارزات برای قطع دست کامل امپریالیسم و کسب قدرت سیاسی است و با هیچ جادو و جنبل امپریالیستی خاموش نمیشود. کمونیستها باید با تشکیل احزاب مارکسیستی لنینیستی در جهان، خود را برای روزیکه شرایط برای کسب قدرت سیاسی از هر نظر مهیا شده است آماده گردانند. کمونیستها از هم اکنون باید گزینش سوسیالیستی خویش را در مقابل نظام سرمایه داری که جنگهای نابود کننده سرمایه داری را به پشت خود دارد آماده کنند. تجلیل از انقلاب اکتبر راهی در این مسیر است.

باید در این راه با تبلیغات ایدئولوژیک و ضد کمونیستی روشنفکران گمراه مبارزه کرد که با نفی سوسیالیسم میدان را فقط برای جاودانه کردن سرمایه داری باز میگذارند. باید با نظریات آن یائسه های سیاسی مبارزه کرد که فقط غر میزنند و پلانفرمی برای مبارزه ندارند. آنها هنوز با مسکن "دولتهای رفاه"، ممالک امپریالیستی، در پاره ای کشورهای متروپل نظیر آلمان و اسکاندیناوی، در خواب خوش غنوده اند و در بی خبری مطلق به سر میبرند و با میخوهند که به سر برند.

لازم است که برای آمادگی بخاطر چنین روزی به پراکندگی پایان داد و این امر تنها از طریق یک مبارزه همه جانبه ایدئولوژیک امکان دارد تا ناخالصیها شناخته شود و هر کس رنگ واقعی خویش را بخود گیرد. وحدت همواره از مبارزه بدست میآید و در درجه نخست باید تفاوتها را روشن کرد تا نقاط مشترک برجسته شود.

این وحدت به نظر ما بر مبنای پذیرش اصول لنینیسم صورت میگیرد و دفاع از انقلاب اکتبر دفاع از لنینیسم و ساختمان سوسیالیسم در شوروی

## چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

## سالروز انقلاب اکتبر گرامی باد!

ضمن گرامیداشت فرا رسیدن هشتاد و هشتمین سالروز انقلاب اکتبر و سیاست‌گزاری از رفقای حزب کار ایران (توفان) و کانون دفاع از حقوق دموکراتیک به خاطر برگزاری این مراسم با شکوه، موفقیت‌های بیشتری را برای این رفقا در جهت پیشبرد مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران آرزو مندیم.

انقلاب کبیر اکتبر پس از تجربه‌ی ارزشمند کمون پاریس، بدون شک یکی از با شکوه ترین نقاط عطف برجسته در تاریخ بشریت میباشد. انقلابی که پرچم سرخ پرولتاریای تا به آخر انقلابی را به اهتزاز در آورد و راه تکامل تاریخ پرپیچ و خم جامعه‌ی انسانی به سوی سوسیالیسم و کمونیسم، یعنی جامعه بی طبقه، جامعه‌ای عاری از استثمار و فقر و فلاکت سرمایه داری، را نشان داد و افق روشن فردا را در برابر دیده‌گان کارگران و زحمت کشان جهان قرار داد.

با این که پس از کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی، روند این انقلاب شکوهمند توسط رویزیونیستها، این دشمنان دوست نمای طبقه کارگر و این عاملین احیای سرمایه داری، از مسیر اصلی منحرف گردید، ولی انقلاب اکتبر آن چنان عظمتی داشت که از یک سو، هنوز هم تجارب گرانقدر آن، راهنمای مبارزاتی طبقه‌ی کارگر جهانی است و از سوی دیگر، هنوز هم خلقهای شوروی از دست

آوردهای رفاهی آن کمابیش بهره مند می‌باشند. بی تردید، طبقه‌ی کارگر شوروی، با درس‌گیری از پیروزی و شکست این انقلاب، یک بار دیگر به پا خواهد خاست و این بار، به همراه کارگران سایر ملل، به سوی انقلاب جهانی سوسیالیستی و برپایی مجدد آن جامعه پیش خواهد رفت.

طبقه‌ی کارگر ایران که از ابتدای شکل طبقاتی اش، پیوسته تحت سلطه‌ی دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم قرار داشته است، با این همه، چه قبل از پیروزی انقلاب اکتبر و چه بعد از پیروزی آن، همواره توسط عناصر آگاه و انقلابی اش، با انقلابیون شوروی در ارتباط بوده و هم از آنان یاری جسته و به آنان یاری رسانده است.

اکنون نیز، شکست انقلاب اکتبر، وظایف مبارزاتی طبقه‌ی کارگر ایران و به تبع آن، وظایف مبارزاتی کمونیست‌های ایران را سنگین‌تر ساخته است. طبقه‌ی کارگر ایران با رهبری یک مبارزه‌ی مسلحانه توده‌ای و طولانی، جهت تحقق انقلاب دموکراتیک- ضد امپریالیستی خلقهای ایران، وظیفه‌ی انترناسیونالیستی خویش را طی آن و پس از آن انجام خواهد داد.

زنده باد مبارزه‌ی مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

سرنگون باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!

از سوی:

۱۹ بهمن، تشکل سراسری هوداران چریکهای فدائی خلق ایران - کانادا

سازمان دانشجویان ایرانی - هلند (هودادار چریکهای فدائی خلق ایران)

۵ نوامبر ۲۰۰۵ \*\*\*\*\*

## پیام کنگره به خانواده‌های جانباختگان توفانی

### خانواده های داغدار توفانی!

کنگره سوم حزب کار ایران به شما خانواده های گرمی که عزیزانتان را از دست داده اید گرمترین درودها را ابلاغ میکند.

کنگره ما در حالی برگزار میشود که بحران اقتصادی و سیاسی سرپای جمهوری خونخوار اسلامی را فرا گرفته است. در نبردی که برای اسقرار آزادی و سوسیالیسم در پیش است، نبردیکه جانباختگان توفانی پیشگامان آن بودند و الهامبخش مبارزات حزب کار ایران است، شما خانواده های داغدار را در کنار خود می بینیم و این امر گرمابخش تمامی توفانیهای متشکل در حزب ما در پیکار علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی خواهد بود.

حزب کار ایران (توفان) گرچه امروز از فقدان کمونیستهای برجسته ای همچون حمید رضا چیتگرها (بهمنی)، بابا پورسعادت ها، قدرت فاضلی ها، احمد مجلسی ها، بهمن نعمت الهی ها، جانبرار روحی ها، حسن حسنی ها (بابک)، اصغر پهلوانها و توفیق ادیب ها و ... رنج میبرد لیکن به تحول کیفی و چشمگیری دست یافته که مصمم تر از گذشته به مبارزات خود علیه رژیم تبهکار جمهوری اسلامی واستقرار آزادی و سوسیالیسم ادامه داده و دمی نخواهد آسود.

کنگره حزب ما ضمن گرامی داشت خاطره توفانیهای جانباخته و همه رهروان آزادی طبقه کارگر ایران فردای روشنی را نوید میدهد که در آن قاتلان رفقای ما و همه آذیخوآهانی که توسط رژیم اسلامی به خاک افتادند بسزای اعمال ننگینشان برسند.

شرکت کنندگان درسومین کنگره حزب کار ایران (توفان) بار دیگر پیمان شان را با رفقای که در میان ما نینسند تجدید میکنند و عهد می نمایند تا رسیدن به آرمان و ایده آلهای توفانیهای جانباخته که چیزی جز جامعه ای فارغ از استثمار و طبقات یعنی سوسیالیسم و کمونیسم نبود از پای ننشینند و یادشان را همواره زنده و گرمی خواهند داشت.

\*\*\*\*\*

### پیام کنگره حزب کار ...

نفوذ و مبارزات ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی شما را به بیراهه برند.

شما جوانان گرانقدر و مبارز باید بکوشید تا با ایجاد تشکیلات مستقل (از دشمنان) و مرتبط با حزب کار ایران (توفان) مبارزات خود را جهت داده و با شتاب بیشتری به پیش روید.

مبارزات اقشار و گروه های اجتماعی مختلف جز از طریق اتحاد با کارگران و زحمتکشان به نتیجه مطلوب و قطعی نخواهد رسید. ایجاد هسته های مبارزاتی و مطالعاتی و ارتباط با کارگران و زحمتکشان و ارتباط با حزب کار ایران (توفان) تنها راه رهانی از جهنم موجود و تنها راه برای برپایی دنیایی آزاد و سوسیالیستی می باشد.

درد به دانشجویان و دانش آموزان مبارز و انقلابی!

پیروز باد اتحاد دانشجویان با کارگران و زحمتکشان!

\*\*\*\*\*

### پیام کمیته مرکزی حزب ...

شرایط کنونی آماج حملات بورژوازی امپریالیستی است. در آلمان طبقه کارگر هم اکنون بر ضد برچیدن واحدهای تولیدی و اخراجات دستجمعی، برضد حذف دستمزدها و خدمات اجتماعی، برضد هارتس ۴ (قوانین ارتجاعی پیشنهاد شده از طرف آقای هارتس برای تشدید استثمار طبقه کارگر در زمان حکومت سوسیال دموکراتها، نا گفته نماند که این آقای هارتس به علت سوء استفاده مالی هم اکنون در تحت تعقیب قانونی قرار دارد- توفان) و آگندا ۲۰۱۰ (قوانین ارتجاعی آقای شرودر صدراعظم سوسیال دموکرات آلمان بر ضد کارگران تا امپریالیسم آلمان در قبال سایر امپریالیستها تقویت شود-توفان)، بر ضد افزایش ساعات کار بدون افزایش دستمزد مبارزه میکند.

این مبارزه هنوز در آغاز خود است. در این مبارزه شکستهای فراوانی بعلت خیانت رهبری اتحادیه های کارگران آلمان پیش آمده است (رهبران اتحادیه های کارگری سوسیال دموکرات هستند-توفان). علیرغم تمام شکستها، علیرغم همه دشواریها که باید بر آنها غلبه شود، این مبارزه گسترش یافته و تعمیق میشود.

خلقهای جهان با تجاوزات عربان و بیرحمانه امپریالیستها و بویژه امپریالیستهای آمریکائی، و سایر قدرتهای امپریالیستی روبرو هستند. نظم نوین جهانی که رهبران آمریکا بر پرچم خویش نوشته اند نظمی استعماری است و برای به بند کشیدن خلقها و ملل است. ما با آن در بالکان، در افغانستان، در فلسطین، در عراق و سایر جاها روبرو هستیم.

مبارزه خلقهای تحت ستم بر ضد امپریالیسم گسترده شده و قویتر خواهد شد. مبارزه خلق فلسطین و قیل از همه مبارزه مردم عراق علیه اشغالگران ضربات سختی به امپریالیسم میزنند. ما به این مبارزه عادلانه درود فرستاده و از آن برای آزادی و استقلال حمایت میکنیم.

مبارزه امپریالیستها در بین خودشان تشدید شده است. تضاد میان آنها تیزتر شده است. سرکرده گرانی امپریالیست آمریکا با مقاومت امپریالیستهای آلمان، فرانسه و روسیه، با مقاومت اتحادیه امپریالیستی اروپا روبرو شده است. با این شعار که "دفاع از آلمان در هندوکش است" امپریالیست آلمان ادعای خویش را بمثابة یک قدرت بزرگ امپریالیستی نشان داد.

امپریالیستها چنانچه دستشان قطع نشود لحظه ای تامل نخواهند کرد تا جهان را به جنگ بزرگ دیگری برای سومین بار بکشانند.

کلیه این تضادها همچنان تشدید و تیزتر میشوند و سرانجام امر انقلاب و سوسیالیسم را بمنزله امری فعلیت یافته در مبارزه طبقه کارگر و متحدینش در دستور کار قرار میدهند.

ما بعنوان کمونیستها، بعنوان مارکسیست-لنینیستها برای سازماندهی و بسیج طبقه کارگر و سایر زحمتکشان بر ضد سرمایه و تسلط آن، بر ضد امپریالیسم مبارزه و فعالیت میکنیم تا شرایط را برای پیروزی انقلاب مهیا سازیم.

زنده باد انقلاب کبیر اکتبر روسیه!

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتاری!

همبستگی جهانی را بستانیم!

فرانکفورت (در کنار رودخانه ماین) نوامبر ۲۰۰۵.

\*\*\*\*\*

## پیروزی مبارزه ملی مشروط به تأمین سرکردگی طبقه کارگر است



Workers of all countries  
unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the  
Party of Labour of Iran

No. ۶۸ – Nov. ۲۰۰۵

## پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان

دوستان و رفقا!

بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان  
صمیمانه ترین درودهای خویش را به شما تقدیم  
میکنیم.

انقلاب اکتبر در روسیه انقلابی با اهمیت فوق  
العاده تاریخی بود.

با این انقلاب طبقه کارگر در اتحاد با سایر  
زحمتکشان سلطه بورژوازی را درهم شکست  
و دیکتاتوری پرولتاریا، قدرت انقلابیترین طبقه  
را مستقر ساخت و آغاز به ساختمان سوسیالیسم  
نمود.

امروز دیگر سوسیالیسم وجود ندارد.  
روزیونیستهای مدرن پیرامون خروشچف،  
برژنف و سایرین دیکتاتوری پرولتاریا و  
سوسیالیسم را درهم شکستند و اتحاد جماهیر  
شوروی را نابود کردند.

آنها میخواهند به طبقه کارگر و خلقهای  
ستمکشیده جهان ببیزانند که امپریالیستها پیروز  
میشوند - سوسیالیسم و انقلاب مرده اند و  
دوران نشان سپیری شده است.  
واقعیات لیکن گواه اند که نیروی انقلاب و  
سوسیالیسم همچنان موثرند.

طبقه کارگر در... ادامه در صفحه ۱۱

# انقلاب کبیر اکتبر جشن بزرگ بشریت چرا باید انقلاب اکتبر را جشن گرفت

برادرانه جهانی را در مقابل ناسیونال شونیسم کور  
کنونی و لشکر کشی نفرت انگیز برای قوم کشی بر  
می افرازد. جشن انقلاب اکتبر تنها جشن آزادی  
خلقها نیست بلکه مهمتر جشن دوستی و برادری  
میان خلقها، جشن انترناسیونالیسم در مقابل  
ناسیونالیسم کور است.

بسیاری از سازمانهای ایرانی و حتی غیر ایرانی در  
برگزاری جشنهای گروهی خویش چنان غرق شده  
اند و چنان بتدریج جای جشنهای بزرگ را با این  
خرده کاری های گروهی پر کرده اند و یاران خویش  
را با این تکه ها دلخوش نموده اند که جشن اساسی  
ما از نظر آنها افتاده و به فراموشی سپرده شده است.  
حال آنکه ما باید به کاری بزرگتر و با اهمیت تر  
دست بزنیم و تا از این راه عایدات سرشار معنوی  
نصبیب همه انقلابیون چه ایرانی و چه غیر ایرانی  
بشود.

حزب کار ایران (توفان) بر این نظر است که این کار  
ارزشمند همان برگزاری هرچه با شکوه تر جشن  
بزرگ انقلاب اکتبر است. این جشن نه تنها باید با  
شرکت کمونیستهای ایرانی بلکه با شرکت همه  
کمونیستها، بمنزله همبستگی جهانی میان همه آنها  
برگزار شود. مسلما همه کمونیستهای غیر ایرانی  
نیز از این ابتکار حمایت خواهند کرد و چنین  
جشنهایی را با شکوه هرچه تمامتر برگزار میکنند.  
حزب ما در این عرصه نخستین گام را بر میدارد  
ولی دست همکاری خویش را به سوی همه نیروهای  
کمونیست و انقلابی ایران دراز میکند تا در سالهای  
بعد با همکاری یکدیگر چنین جشن بزرگی را با  
یاری همه کمونیستهای غیر ایرانی و بویژه  
کمونیستهای منطقه برگزار کنند. این امر تقویت  
روحیه برادری بین المللی است و اسلحه ای در  
دست ماست تا پرچم آنرا در مقابل نفرت ملی و  
مذهبی با سر بلندی برافرازیم.

برگزاری این جشن بزرگ بین المللی در عین حال  
خط روشنی با دشمنان انقلاب اکتبر میکشد، تمایز  
میان هواداران بهره کشی انسان از انسان، و پیروان  
راه آزادی طبقه کارگر را با دشمنان آنها نمایان  
میسازد. رنگ چهره کمونیستهای دروغین را که بر  
همه سنتهای انقلابی کمونیستها پشت کرده اند و  
هنوز نیز خود را مودیان کمونیست و یا چپ جا  
میزنند برملا میکند و میدان گسترده ای برای  
همکاری کمونیستی فراهم میآورد. برگزاری این  
جشن فقط خواسته کمونیستها نیست بلکه همه  
دموکراتها که میبینند شکست انقلاب اکتبر با روی  
کار آمدن روزیونیستها چه ضربات مهلکی به رفاه  
عمومی، به حقوق بشر، به مطالبات دموکراتیک  
وارد کرده است... ادامه در صفحه ۶

“ما کمونیستها از سرشت ویژه ایم و از  
مصالح خاص برش یافته ایم.“ رفیق  
استالین

انقلاب اکتبر روزی است که بشریت جهان را  
دگرگون کرده است. در این روز افق جدیدی در  
مبارزه طبقه کارگر عملا گشوده شد و کمونیستها  
دیدند که تنوریهای مارکس و انگلس و لنین را  
میتوان در عمل پیاده نمود.

جشن گرفتن این روز تاریخی یک کار تشریفاتی  
نیست، اسلحه ای در مبارزه ماست و تنها وظیفه  
کمونیستهای ایران نیز نیست. این وظیفه همه  
کمونیستهای جهان است. حتی وظیفه نیروهای  
انقلابی و دموکراتیک که انقلاب کبیر اکتبر را با  
جان و دل هضم کرده اند. زیرا انقلاب اکتبر اکتبر  
زنجیرهای اسارت بشریت را پاره کرده است و  
بشارت دهنده آزادی بشریت بوده است و این امر  
فقط مربوط به کمونیستها نیست. همه بشر دوستان  
واقعی را در بر میگیرد. این است که دشمنی با  
انقلاب اکتبر دشمنی با حقوق بشر است.

کینه به انقلاب اکتبر و ضدیت با بشریت و حمایت  
از اسارت انسان نیز از همین جهت جنبه طبقاتی  
دارد. همانقدر که ما از برپائی یاد این انقلاب کبیر  
شادمانیم و آن را بزرگ و عزیز میداریم به همان  
نسبت دشمنان این انقلاب یعنی استثمارگران و  
بهره کشان انسان از یادآوری این روز  
بزرگ تاریخی ناخرسندند. آنها ترجیح میدهند که  
این روز بزرگ به فراموشی سپرده شود. در این  
عرصه فقط امپریالیستها و مرتجعین به یک  
کارزار تبلیغاتی ایدئولوژیک دست نمیزنند، بلکه  
تلاش میکنند مبارزین انقلابی را با جشنهای  
جزئی و محلی، با جشنهای گروهی و سنتهای  
محدود که در خدمت بزرگنمایی خود آن  
برگزارکنندگان است مشغول سازند. آنها را به  
جزئیات مشغول کنند تا از کلیات دور بمانند. آنها  
با هر جشنی موافقتند مگر جشنهایی که به طبقه  
کارگر نیرو دهد. و این است که ما باید این سد را  
بشکنیم.

طبیعی است که ما ایرانی ها باید جشن نوروز  
خودمان را به منزله بیان هویت ملی خویش جشن  
بگیریم. ولی ما ایرانیهای کمونیست هرگز نباید  
فراموش کنیم که بزرگترین جشن تاریخ بشریت،  
جشنی که سرآغاز آزادی انسان است، جشنی که  
در پی تربیت انسان ترازونین است، جشن انقلاب  
کبیر اکتبر است. این جشن بیان هویت بین المللی  
ماست، بیان همبستگی بین المللی ماست و از نظر  
زمانی از آن جهت مهم است که روحیه دوستی

نشانی پست الکترونیکی [toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org) صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت. [www.toufan.org](http://www.toufan.org)

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صلیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی رسانید، زیرا ما تنها با اتکا بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پست مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی

Postbank Hamburg

BLZ: ۲۰۱۱۰۰۲۲ KontoNr.: ۰۷۳۳۰۲۶۰

• Germany

شماره دورنگار (فاکس) آلمان ۰۶۹-۹۶۵۸۰۳۴۶

آدرس Toufan

Postfach ۱۰۳۸۲۵

۶۰۱۰۸ Frankfurt

Germany